

تعییرات خاصه کولات و غیره از خلاقه طهران

سعدا	پنیر چارمن سه هزار و ده سی	کندم سار جیلانی بکخورار دو تومان و ده سی
صا	ماش و لویا چارمن یک هزار دینار	کندم دور شهر بکخورار هجده هزار
صا	عکس چارمن چهار عباسی	کندم شهر یاری بکخورار نوزده هزار
العا	سوخو قونی چارمن سی شاهی	کندم غریبه بکخورار نوزده هزار و ده سی
صا	کرجک بکخورار دو تومان و ده سی	نان بکخورار دو تومان و سه هزار و ده سی
صا	بغده هزار و ده سی	جو بکخورار یازده هزار
صا	یک من ده شاهی	گاه کندم بکخورار چهار هزار و ده سی
العا	چارمن شش عباسی	گاه جو بکخورار چهار هزار
العا	دور یال	ار و کندم دو تومان و دور یال
صا	سه هزار و ده سی	ار و جو بکخورار شانزده هزار
صا	چارمن یازده عباسی	فصل بکخورار سه هزار و ده سی
صا	بک تومان	یونجه بکخورار شش هزار
العا	دور یال	خلر بکخورار سیزده هزار
صا	سه هزار و ده سی	سکنیک بکخورار یازده هزار
صا	چارمن	ارزن بکخورار یک تومان و پیر یال
صا	بک تومان	بید طای بکخورار شش هزار
صا	سه هزار و ده سی	بیبک بکخورار چهار هزار و ده سی
صا	بک من	نمک بکخورار چهار هزار و کیبسی
صا	سه هزار	برنج تخم بزرگ چارمن دو هزار و ده سی
صا	دو تومان	برنج کرده چارمن یک هزار و ده سی
صا	چهار هزار و ده سی	روغن چارمن نه هزار
صا	بک من	کره تازه چارمن یازده هزار و ده سی
صا	دو هزار	گوشت بک من شش عباسی
صا	چهار هزار و ده سی	ماست که سفید چارمن یک هزار دینار

اخبار دول خارج

چنانکه در روزنامه سابق نوشته شده است دولت
اسیریه از دولت انگلیس خواهش کرده است که قسود نام
و نیز بی نام که یکی از اهل تجارویکی از اهل ایتالیا است از
انگلیس بیرون نمایند و اگر بیرون نهند دولت اسیریه
ایلمچی خودش از ولایت انگلیس بر میدارد و بعضی روزها
نوشته اند که دولت پرستیه و وایه و بعضی دول دیگر
فرنگستان هم با دولت اسیریه درین باب متفق مصلحت
میوند و خواهش میکنند که مقننین فرنگستان را که بنا
سجاک انگلیس آورده اند اخراج نمایند و اگر دولت انگلیس
خواهش آنها را قبول نکند و ورنه که آنها بزرگ مواضع
و دوستی نموده ایلمچیان خود را از ولایت انگلیس برودند
از فراری که در روزنامه انگلیس نوشته اند که ولایت
این بخلیف را قبول نخواهند کرد و بسبب مقننین
نیت و در قوه نداشتند از قدیم قانون این ولایت
این قانون را برسم بزنند با اینکه مقننین در ولایت
انگلیس خود دولت انگلیس میسازند زیرا که اگر نتاشی
ولایت انگلیس روید و فراریهای فرنگستان با مقننین
مصلحت میوند و آنها را سحر یک یافتند
درفت و آنها را امین نماید اما ما امیدواریم که در ولایت
نشیند اند و کاری که خلاف دولت انگلیس باشد نکنند
بیر کردن آنها روس مگر نیت

۷۰۶

سنت بطرز توابع تا نولانک میروند که یکی از عمارات
ششمن علی حضرت امیر طو در آنجا است و چهار فرسخ و نیم طول
این راه است و کاسکها و چرخ بخار در آن راه خوب میروند
و منفعت زیاد هم تجده دولت و هم تجده خلق میکند و ده دویم
که ساخته اند باین پای تحت و شهر است و این صد فرسخ است
از شهر تا شهر درین مسافت میروند و روز بروز درین
و محل نقل مال تجاری در آنجا زیاد تر شود این راه هنوز نام نشده
که امیر اطو حکم کرد در این پای تحت شهر و آرشا و بسا
و این راه تخمینا صد و چهل فرسخ طول دارد و از شهرها و قصبه
آباد عبور میکند و از رودخانههای بزرگ میگذرد و راههای دیگر هم
از شهر که تبت از آنکه متصل به راه باین سنت بطرز توابع و در
بشود و این راه هم بیت و نه فرسخ طول دارد راه دیگر هم
بیا زنده از شهر و قوه توابع الی شهر گود از شهر سولتک هم
میگذرد و در سمت جنوب مملکت روسیه هم راهی میزند
از شهر حرکات الی شهر اوسته و این راه از رودخانه
که یکی از رودخانههای بزرگ مملکت روس است میگذرد
چونکه آن سمتها جای غله خیز است و او دشت لنگر کاشیها
که غله از مملکت روس بخارج میزند مکان دارند که حمل و نقل
در آنجا بشود و منفعت زیاد حاصل و نقل غله ازین راه عاید بشود
چونکه در رودخانه نیپر جایی است که آب در آنجا شده جاریست
برای کشتیها مقامی خطرناک است از آنجه حمل و نقل غله از رود
نیپر قدری مشکل است و راهی که از شهر زیگ تا دونه توابع ساخته
که تفصیل آن نوشته شده تجارت آن است راز با میکند
و باعث منفعت خاص عام خواهد شد خصوصاً در تجارت گران
و خوب جنگلی غله و سایر اجناس صاحبان املاک و جوان

مستقیم از امیرتد ریزا که حاصل اطلاق آن درین راه بود
 میرسد بریکه که کنار دریای بالیکت پناهنده و از آنجا بخا
 میرستند در مملکت پوننه از وارشاد تا سرحد پروس
 که راه آن ساخته اند و سیاح و با تجاری میرود حال بنا
 دارند که راه دیگر بازند یکی مابین شهرهای وارشاد و
 بوع و دیگری مابین شهرهای وارشاد و پوزن راهی که
 میانند مابین شهر وارشاد و سرحد پروس چنانچه فرسخ است
 و آنوقت و وقتی که راههای مابین وارشاد و پوزن
 تمام میشود اکثر راههای آن فرنگستان بکلی متصل خواهد
 شد و از شهر پاریس که پای تخت فرانسه میباشد در
 مغرب فرنگستان است تا پای تخت روس که در
 مشرق فرنگستان است در چهار یا پنج روز خواهد گذشت

از سایر دول فرنگستان اخباری بنود که در روزنامه
 نوشته شود مگر اینکه در احوالات متفرقه نوشته شود

احوال متفرقه

لازم است که در سالهای سال از جانب پادشاه
 انگلیس ایچی کبیرم اسلامبول بود و درین ایام آخر بولایت
 انگلیس مراجعت کرده بودت تاریخ بیت و دویم جمادی الاول
 از لندن بنا داشته است که روزی بنور که باز با سلطان
 و از راه پاریس پای تخت فرانسه و وینه پای تخت استرلی
 آمد و جهت آمدن از آن راه این است که در باب بعضی
 دولتی و سبب مابین دول فراری بگذارد که رفع بعضی گفتگو
 بشود

در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که موش بود لاکور که

وینه پای تخت استرلی نامور است که با اسلامبول رفقه در
 اینجا ایچی کبیر از جانب دولت فرانسه با تاجیک بجهت
 جمادی الاول از وینه وارد اسلامبول شده بود و لایحه
 و که ولایت که سابقا این منصب را داشت بملکت فرانسه

مراجعت کرده است

چونکه در لنگرگاه اسلامبول مابین آزادگانی و ادون قاپان
 بی ساخته بودند و سببه اینکه بر خوب نبود از نو ساخته
 وقتی که تمام شده و هنوز منقوح نگردیده بود که خلق تردد
 اول اعلیحضرت سلطان با آنجا رفتند و از پل مرز عبور نمودند
 و مراجعت کردند و همه را ملاحظه نموده و رسیدگی کردند و بعد از آن

فرمودند که تجمیع بخلق باز نمایند

در معدن ذغال سنگی که بسیار عمیق باشد و هوای
 آنجا محبوس بشود بخار از آن ذغال در آنجا جمع شود که
 وقتیکه چراغ نزدیک آنجا برود مانند باروت بلکه از آن
 پر زور ترش میگیرد و در معادن بسیاری و کوشش کرده
 که این بخار معدن در آنجا جمع نشود و چاههایی کنند که چاه
 با در و بجهت معدن باشد و چرخ هم ساخته اند بترکیب
 و توله که هوای تازه بمیان معدن داخل نمایند با وجود اسکله
 اینقدر احتیاط کرده اند باز بعضی اوقات این بخار هم
 میگیرد و بسیار مردم تلف میشوند و یکی از معادن انگلیس
 این روزها چنین اتفاق افتاده است معدن مرزورصد و
 چهار روزه عمیق داشت عملجات که در آنجا بودند در وقت ظهر
 سببه غدا خوردن کارشان را موقوف کرده و مشغول غدا
 خوردن شده بودند صد و چهل و دو نفر در آن معدن بودند
 و از زیر زمین راههای زیاد بود که بعد از آن دیگر میرفتند

۷۰۷

این راههای زیر زمین بجا زیاد جمع شده بود در وقتیکه
 تان میخورند متوجه نشدند که هوای تازه میان معدن
 نماید بجا جمع شده بود و بسکی از چرخهای عمده جات
 بعدی بسیار هبش گرفت شعله زیاد از میان چاه با
 آمد و بسیاری از چرخ و اسباب که در آنجا بود خراب
 گردیدند نفر معدمی کشته شده و هشت نفر زخمی گردیده بود
 و بعد از آنش گرفتن بجا نتوانستند بودند میان معدن بروند
 تا آب میان معدن کشودند که بواسطه قدری صاف شود
 و بر وجه غش آنها را که مرده اند در آورند

یکی از سرداران عرب که سالها همراه امیر عبدالقادر
 جنگ بدولت فرانسه کرده بود و لقب او ابو مغربه است
 و در جنگ آن ایام دستگیر قشون فرانس شد و از آنوقت
 در مملکت فرانسه محبوس است درین روزها اذن داده
 که از هر طرف خاک فرانسه که بخواهد سیاحت نماید و در
 جاکه بخواهد توقف نماید و لکن اذن بیرون رفتن از آنوقت
 ندارد

در مملکت فرانسه بنیاد اند که پول از نو سکه بزنند و این
 پول سیاه را اول در میان قشون تقسیم نمایند که اهل
 قبل از آنکه با بایر خلق داده بشود این پول داشته باشند
 چند نفر از اهل ایتالیا که در مملکت اتریش و در مصلحت
 ایتالیا بودند درین اوقات از آنجا بیرون کرده اند و بنا
 دارند که وقتیکه از سرحد بگذرند عریضه ببرد و لکن که خودشان
 میخواهند بوسند که اذن بدهند که در آنوقت توقف نمایند
 و اگر از دول فرانکستان بچکدام عریضه آنها را قبول نمایند
 نباست که کشتی نشاند ببلکیتکی و بنا بر اینستند

در مملکت ناپولی قدغن شده بود که روغن دپید و از هر قسم
 روغن که در چراغ مصرف میشود از آنوقت لایست بیرون برند
 مگر روغن زیتون که از آنهم مگر بیرون بردنش را زیاد
 کرده بودند و سبب این حکم این است که حاصل زیتون
 پارسال کم آمده بود

کوه آتشفشان در جزیره سیشلیا که جزو ممالک ناپولی میباشد
 سوزند است و در ایام الاوقات کمی دود از آنجا بیرون
 می آید مدتی بود که خاموش شده بود مگر آن دودی که در ایام
 از میان او برمیخیزد اما درین روزها آتش او زیاد شده است
 و سنگ و معدن که اخته روز بروز بیشتر از کوه بیابان بیرون
 با صدای بسیار درشت میبشند اینک صد عراده توپ
 یکبار خالی نمایند

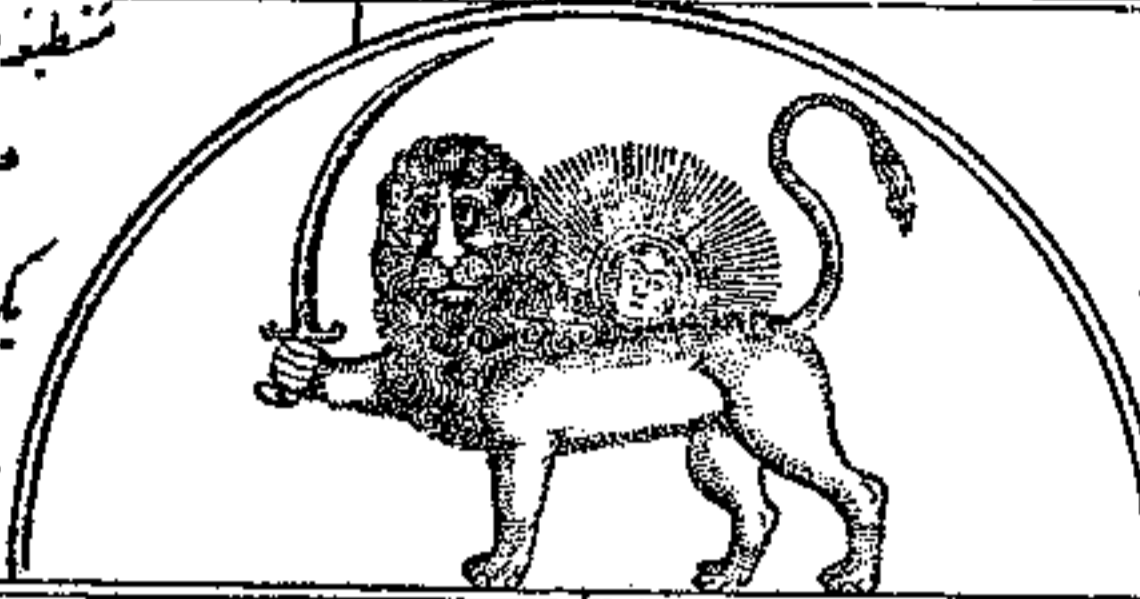
در شهر لیان کارخانها و تجارت زیاد در پارچه ابریشی دارند
 و این تجارت این روزها بسیار رواج بود و یکسبب این بود
 که پارچه ابریشی از قمل و غیره میخوردند و بیشتر پارچه
 بجهت لباسهای تازه که بعد از برقرار شدن لوتی ناپلیان تسلطت
 فرانسه دوخته میشود

اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالحمید با سعید
 نزدیک دروازه دولاب الطباع شده از اینقرار فروخته میشود
 احتیاج شیخ طبری شهرار
 مجلس اتین بیت و دوهزار و پانصد
 حاج شیخ محمد تقی بر معالم بیت و پنجاهار
 سهام عالم جلید چهارم بجا از آنوار سه تومان و دیوار
 مجمع البیان شش تومان

روزنامه قایم القایم تاریخ روز سه شنبه نوزدهم ماه جمادی الثانی سنه ۱۲۶۹

منظومه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک سطر در چهار سطر هر روز
بیشتر با هر سطر



نزه صد و پنجاهم
قیمت روزنامه
یک سطر در هر یک
ه تومان چهار هزار

اخبار و احداث مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه چهاردهم این ماه نظر بقانونی که درین وقت
علیه متداول است اعلیحضرت پادشاهی بآب دو
تشریف بردند و افواج قاهره نظام از بیرون دروازه
دولت الی میدان آب دو آنی که تخمیناً نیم فرسخ باشد
در کمال ارادتگی حاضر بودند و تعظیم نظامی نموده مورد تفتد
در محنت شایسته شدند و اعلیحضرت پادشاهی در
شوکت و اجلال در عمارتی که در آب دو آنی ساخته شده
تشریف فرما گردیدند و حسب آداب و قوانین که بجهت
این روز هر سال معمول بود بجای خود همایاوار شده
دسته دسته اسبهای سوغانی ارسان حضور
بطایون گذاشته بعد از آن اسبها را سه دسته کرده بای
تاختن گذاشته دسته اول چهار دوره زدند که عبارت
از دو فرسخ باشد و دسته دوم سه دوره که یک فرسخ
باشد و دسته سیم دو دور که یک فرسخ باشد و هر کدام از
اسبها که پیش آمدند موافق قرار هر ساله الفام خود را
بید قهار برداشتند و اعلیحضرت پادشاهی بعد از نماز

و تفریح اسب دو آنی با التیوکه و الاجلال بآرک مبارک
سلطانی مراجعت فرمودند
چون پنج در در دارالخلافه طهران بقرار معمول سنواتی در قصر
موجود می شد و سایر کتب نیز از قصریه خریدند و در
دکان خود می گذاشتند درین روز که حسب الامتداد
شاهشاهی مقرر شده بود که بجهت جشن ولعیدی ثواب
مستطاب معین الدین میرزا ولعید دولت علی صاحب
ترتیب داده حسب جا کران در بار بطایون را معالی نام
و هر صنفی از لوگو را حکم شده بود که با شهبان آنها
نمایند انشای دولت علیه بجهت تدارک صیانت مزبور
هر یک بخریداری پنج دور و چهارشنبه باز و هم
آدم بقصریه فرستاده بودند بعضی از مردم شرا میفند
این خریداری جنس را مایه و وسیله فساد و استیج
بر زبان رانده موجب وحشت بازار بان و عوام الناس
شده و تا یک ساعت اغتشاش و وحشت و اضطراب در
میان خلق مشهود بود و مردم بخریداری آذوقه مشغول بودند
و اجناس تجزیه بسم ساند تا اینکه مراتب بعضی از

۷۰۹

بماریون شامشای رسیدنهای دولت قاهره حبه العلیه
در ستاده چند نفر از خدمتین را گرفتند بسیار نمودند
و آشوب فرستادند

نظر بر آتب خدمتگذاری و شایستگی عالیجا متعجب
حاجی محمد خان درین روزها اعلیحضرت پادشاهی منصب
جلیل شیک آفاسی باشی گری نواب مستطاب شایه زاده
حشت الدوله صاحب احتیاط مملکت آذربایجان را با او
مفوض فرمودند و فرمان مبارک نیز درین باب شرف صدور
یافت از جانب اعلیحضرت پادشاهی یک رس اسب
یک قبضه شمشیر غلاف طلا با و رحمت گردیده و حسب
روانه آذربایجان شد که بخدمت محوله بخود اقدام نماید

تفصیل معاینه ناخوشی و با کمال عالیجا حکیم اندر لو یک حکیم باشی
قشون کرخستان نوشته شده چون از برای دفع ناخوشی
مردم آنجا بسیار مفید افتاده است لهذا متعجب آنجا فاک
موسوی و کلو که حکیم باشی اعلیحضرت پادشاهی طریقه معاینه
او را در دستور مستور الذیل می نویسد که احاد الناس
از اعلی و ادنی و کبار و صغار ممالک محروسه ایران
از طریق معاینه مستحضر گردیده در حین ضرورت بکار
و مستفیض شوند و آن تفصیل این است پیش از آنکه
ناخوشی و با وجود شخصی ظاهر شود اول اسهال عارض شود
وقتی که اسهال عارض شده باید از نشش قطره تا ده قطره
نقط سفید ربیان یک فنجان عرق شراب یا شراب یا چای
نوع داخل کرده بناخوشی بیند اگر تا نیم ساعت دیگر
باز ناخوشی اسهال یا استفراغ نمود یک خوراک

دیگر نیز به بند و ناخوشی را در لحاف پیچیده شستمالش
کنند که عرق نماید و آجینا اگر ناخوشی شدت یافته
باشد یعنی از اول مرحله ناخوشی قی کند و لرزد در شستمال
اسهال کند حبس البول باشد و دست و پایش چنگ شود
الوقت باید در همان دقیقه که معده ناخوشی قدری
آرام گرفت از ده تا پانزده قطره نقط سفید ربیان اجزا
مفصل الفوق داخل نموده بناخوشی بیند اگر ممتد
شد و ناخوشی در حالت اولی باقی ماند یک خوراک
دیگر هم بدینند که ناخوشی آرام گیرد بعد از آرام گرفتن
اگر ضعف داشته باشد باید در هر چهار ساعت یک
خوراک دیگر هم همان طریق بیند تا درست بجان بیاید
و چنانکه ذکر شد ناخوشی را بلحافی پیچیده آتش شستمالش
کنند که عرق نماید و بروی معده هم قدری نقط سفید
بمالند تا رانی بسیار می خد مفید خواهد بود

امور استقشونی

افواج قاهره نظام بطریق استمرار همه روزه در
بیرون دروازه دولت مشغول مشق میباشند و صاحب
نظام کمال وقت و اهتمام در مشق افواج دارند و بعد از
ذاعت امش افواج کل صاحب مضربان در مدرسه
با سایر متعلمین در نزد معلمین همه روزه مشغول تحصیل قیام
و حرکات نظامی می باشند
فوج دویم نصرت که از آذربایجان احضار و در محله
شده بودند در روز شنبه چهارم که مرکب اسهال
بیدان اسب و دانی تشریف فرامی شدند از آذربایجان
وارد و شرفیاب حضور پادشاهی گردیدند

۷۱۰

نظر بر آنت بیاقت و شایستگی عالیجاه ذوالفقار خان
ختم درین روز نماز و ارفزان تا یون منصب هر کرد
سواره ختمه باو مرحمت گردیده و در ایامی منصب
مزبور یک طاقت شال ترمه و یک ثوب قشای زرین
بشار البه خلعت مرحمت شد

سایر ولایات

آذربایجان در روزنامه آذربایجان درین
هفته چیزی که قابل نوشتن در روزنامه گزینت باشد
نبود مگر اینکه از قریب نوشته بودند لواء مستطاب
شاهزاده والایا حشمت الدوله صاحب اختیار
مملکت آذربایجان در روز چهارم عید قدغن نموده
که مقرب الخاقان قوام الدوله بحاکم جرد اذربایجان
که پیشتر آمده بودند رسیدگی نموده مفروض نماید
مشاریه نیز از آن روز مشغول تفریح مجازات حکام است

دارالمرز

درین هفته نیز ازین ولایت اخباری نبود که در روزنامه
نوشته شود

فارس

از قریب که در روزنامه فارس نوشته بودند در
ماه جمادی الثانیه حاجی بنین العابدین خان سیریزی
بحکام رفته بوده چند نفر از اشرا و الواط بعزم قتل او
پیش از مشارالیه بحکام رفته بودند که در آنجا فرصت
یافته او را بهلاکت رسانند بعد از آنکه مشارالیه حکام
دارد شده بودند کی گذشت آن چند نفر که در آنجا
اوقفته بودند بر سر اورینجه از طرف چپ خرم میگری

با وزده بودند گویا در حکام هم بغیر از مشارالیه کسی نبود
مردم از خارج مطبخ با آذوهای او آمده و آن چهار نفر
گرفتند بسترهای اعمال خود را ساندند

دیگر در روزنامه نوشته بودند که چند خانوار از ایل
سگوللو در ساندن متوجهات دیوانی کوتا می
میکردند و براه دار را جواب کرده بودند عالیجاه حاج
باشم خان دیوان پسکی چند نفر سوار روانه
گروه بود که اشخاصی را که مخالفت کرده و در ادای
مالیات دیوان نکاح نموده بودند گرفتند بستر ازین
که تشبیه بشوند بعد از رفتن سواران مزبور آن اشخاص
فرار کرده و متواری شده بودند و مال حشری
از آنها در صحرا بود سواران ضبط کرده و بشیر از
آورده بودند بعد از آوردن اموال منسوبه تحقیق نمودند
بودند و مشخص گردیده بود که بعضی ازین اسوال از
اشخاصی است که خلافتی از آنها سرزده است

بصاحبانش رو نمودند

دیگر نوشته بودند که یک نفر از رهایای گواردر سبانی
میتد با مالی شبانکاره نماز نموده و شخص کواری
مقتول گردیده بود عالیجاه حاجی باشم خان دیوان
سکه از کیفیت مطبخ گردیده محصلی روانه نموده است
که آن اشخاص را از شبانکاره با دره مقتول از گوار
بشیر از آورده در آنجا تحقیق و رسیدگی

و احقاق حق بعمل آید

اصفهان

ازین ولایت نیز درین هفته اخباری نرسیده است

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته شده بود رضایم
 حجاز پسر حسن نام که پس بیست و سه ساله بود و شال باقی
 میکرد بگردن طرف عصر در کارخانه تنها مانده بوده است ناگهان
 دیده است که چند سنگ شیشه‌های جامگانه که در سقف
 کارخانه نصب بوده خورده و شیشه‌ها شکسته از سقف فرود
 آن طفل از شدت و احمه مدحوش شده و درها بجا افتاده
 بود چون وقت رفتن او بجا از قرار معلوم هر روز در
 شده و تا یک کر دیده بود پدر و مادر او بکارخانه می‌رفتند
 رفته و او را در آنجا بهوش یافته بودند بهمان حالت برآشته
 و بجا برده در میان رخت خواب خوابانده بودند صبح
 بتمتع حال او برآیده بودند معلوم شده بود که اجنه او را خسته
 کرده اند و بعد از خسته سفیداب سحر احوال او ضعیف و نوداد
 بطوریکه دلاک باوقوف کسی را خسته نماید پدر و مادر او این
 معنی را بفال میمون گرفتند و چنان تصور کرده بودند
 که جهت آن طفل خود آنها این عمل سبب فیضات و برکات
 خواهد بود لکن طفل مزبور بسبب استیلا و احمه تا سه روز
 بیشتر زنده نبوده و فوت کرده بود
 دیگر نوشته بودند که شخصی محمد کاظم نام صاحب از
 اهل شیرجان مشغول شرب خمر شده و زوجه خود را
 نیز که سیده و صبیبه سید علی نامی بوده تکلیف بخوردن
 شراب نموده بوده و ضعیف از خوردن شراب با او بکار
 نموده آن شخص در حالت مستی کار روی بشکم ضعیف
 و ضعیف فی الفور هلاک شده بود آن شخص بلافاصله تشییع
 آمد با از تاسف و ادمت یا از بیم قصاص جان کاروان

۷۱۲

کلوی خود کشیده و خود را هلاک کرده بود و بسبب
 خیالات رسا و سس شیطانی که حاصل کینت شرب
 خمر است باعث هلاکت خود و زوجه خود گردیده بود
 دیگر نوشته بودند که در شهر کرمان و حوالی آنجا باوصف
 بودن آب و زمین مستعد از بابان و صاحبان املاک
 در غرس اشجار مسالیه و اجمال میگردد اند چنانکه در
 شهر کرمان بواسطه کم بودن چوب و تیر و تخته یک خانه
 تیر پوشش در کل عمارات عالی و ادانی یافت نمی‌شود
 و همه خانه‌ها را طاق خستی زده و پوشانده اند و اگر بر
 سبیل ضرورت چوب و تیر لازم نبود باید از راه دور
 بصعبت بشهر بسیار رند از آنجا که بنای امیر الامرا (عظام
 محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان بران نظام ورود
 و آبادی ولایت در فاه حال و آسودگی رعیت است درین
 اوقات که موسم غرس اشجار بوده است همه اربابها
 و صاحبان املاک قدغن آید نموده است که چه در شهر چه
 در بلوکات در هر جا که آب و زمین است درخت نشاندند
 که باعث آبادی ولایت موسم نفع آن عاید از باب
 و رعیت بشود
 از سمت بلوچستان و قشون مأمور بان صفحات بود از آنجا
 در روزنامه‌های سابق نوشته شده دیگر خبری مجدد نیست
 که نوشته شود مگر اینکه طرق و شوارع آن اطراف که
 سابقا بجهت ناخت و تاز بلوچیه مخوف و بجهت مترودین محل
 بود درین روزها کمال اتمیت را دارد و قوافل و مترودین
 با نهایت اطمینان عبور و مرور نمایند

بروجرد

از فراریکه در روزنامه بروجرد نوشته بودند چون محاط
 واصناف شهر باعاجاه و زخمی خان و شهابی نواب
 احتشام الدوله بود این اوقات عالیجاه میرزا ابوطالب وزیر
 حساب اصناف شهر را با نورمحمد خان رسیدگی نموده است
 اجحاف و زیادتی با حدی نشده و مشارالیه بر عایای بلوچ
 و بلوک نهایت خوش رفتاری و سلوک را معمول داشته
 و همگی کمال رضامندی را از او داشته اند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه میرزا ابوطالب مباحثین
 بروجرد را از برای تفریح حساب در دفترخانه حاضر کرده در
 حساب میرزا کریم خان که خدا که مودی بکهار تومان و کسری
 از مال دیوان بود مستوفی بروجرد و میرزا کریم خان نوشته
 بودند که تقبلی در حساب مال دیوان بکنند عالیجاه میرزا
 ابوطالب از این معنی مطلع شده حکم کرده بود هر دو را
 از مجلس کشیده مال دیوان را حکما دریافت کرده بودند

دیگر نوشته بودند که اعان فرج نام سپاه خواجه نواب
 احتشام الدوله زیاده با اهل ولایت و نوکر در سرخرنی
 فضولی و بی احترامی میکرد و مردم آزادی را متاخر خود کرده
 و درین اوقات با میرزا کریم خان که خدا بنای درشت گو
 و هرزگی را که داشته بود عالیجاه میرزا ابوطالب در تقبلی نمود

دیگر نوشته بودند که نواب ایلام میرزا باوج سیلاخوری
 ابو اسحبحی و لیجان سرتیب و سواره باجلان در رسیدن مرد
 مشغول انتظام تمام لرستان و وصول مالیات آنجا
 و امورات لرستان از هر سبب مضبوط و منظم است
 واحدی قدرت حرکت خلاف ندارد

عربستان

از فراریکه در روزنامه منجمه نوشته بودند امر آنجا از جهت
 و هر حیث منظم و مضبوط است و عالیجاهان سلیم خان
 و حاجی جابر خان که مأمور خدمات آن حد هستند در غلظ
 محوله بخود هر یک کمال اهتمام را دارند و کافه مالی آن حدود
 قرین امن و امان هستند و نواب شهابی زیاده و الا بتا
 احتشام الدوله در نظم آنحد و مسواره نهایت مراقبت و
 اهتمام را دارند

اخبار دول خارجه

درین هفته در روزنامه های فرنگستان اخبار دولتی چیزی
 نبود که قابل ترجمه و نوشتن در روزنامه باشد مگر اینکه
 آشوبی که در مملکتین ایتالیا و مجار که هر دو جزو ممالک استریه
 شده بود بسبب نظم و تدارک تمام که دولت استریه داشت
 موقوف گردیده و آرام شده بود گفتگوی عهد که مابین دول
 فرنگستان بود است و در این بهای فرنگستان بود که در روزنامه

سابق بکرات مفضلا نوشته شد و موافق خبر آخر که آمد
 دولت بزرگ فرنگستان متفقا از دولت انگلیس خوش
 کرده اند که در ایبار از ولایت انگلیس اخراج نمایند و در سرخرنی
 خزانین انگلیس درین خصوص بحث و مشورت شده است و بعضی
 از وزیر گفته اند که اگر این اشخاص قصد برسم زدن دولتی
 که با دولت انگلیس دوست باشند داشته باشند
 آشوبی در ممالک پادشاهان دول خارجه بکنند
 قاعده و قانون ولایت انگلیس آنها را از ولایت انگلیس
 میتوان اخراج کرد اما باید آنمجلسی بگردن این اشخاص
 ثابت بشود

احوال متفرقه

مورخین فرنگستان بگو اگر اهل تاریخ عالم مصر را از جمله قدیمین آبادیهای دنیا میدانند و آثار شهرهای قدیم و نظیره که در آن ولایت پیدا میشود و دلیل است بر اثبات قدیم بودن آنجا و در آن ایام قدیم آبادی آن ولایت یک بر صد بیشتر از حال بود است کما کل رعیت

این ولایت سینه برود نیل است و چون کبیر و ایام یک روز با باد آورده و بجای آنی که آب رود نیل می نشست ریخته است سال دست زمین حاصل آور آنجا کمتر شد و صحرائی کبیر که لم بزوع و مطلقا حاصل نمی آورد سال بسال زیاد تر شد است اینچنین

آثار جلال قدیم مملکت مصر درین روزنامهها نوشته اند که شهر بسیار بزرگی که رمل کلاً او را فرو گرفته بود است درین روزها از زیر خاک پیدا کرده اند در مصر بتی در قدیم الا ایام این سنگ تراشیده بوده اند که بدن و دست و پایش بر یک شهر

و از سینه بیلابصورت زن درین روزها خاک آنجا را که این بت بوده است با در برده و سر بت فرود از زیر خاک پیدا شده بود سیاح و نسیه در آن اطراف بود این خبر را که شنیدند بر داشتند و با آنجا برده زمین را شروع بکنند نموده بودند معلوم کرده بود که جای شهر قدیم است از پاشای مصر اذن گرفته و عمل زیاد در آنجا بر راه انداخته و تا بحال یک کوه پیدا کرده است

که طوش هزار و سیصد ذرع است و بسیار اسباب آن ایام را تبرک غریب در آنجا حجت است و چونکه این اسباب و کل این شهر در زیر یک ماسه مانده و در طوبی نداشتند است چندان اسباب و بنای اوصاف نشده و مانند روز اول مانده است

در یکی از روزنامههای فرانسوی نوشته اند که چند نفر از اهل

یکی دنیا از جانب صاحبان کشتی آن ولایت بملکت سوئیس آمده اند بگویند دولت با با خلق فراری میسبغی میسین بگذارند که کشتیها برای فراریهای فرنگستان بیاورند که از آنجا بسبکی دنیا خصوصاً آنها را که درین روزها از خاک استریه بیرون کردند

ایضا در روزنامه فرانسوی نوشته اند که مستوره بگری از جانب امپراطور فرانسوی مامور شده است که برود در وینه پای تخت استریه بنشیند بجای وزیر مختار فرانسوی که معین وینه بود و از آنجا مامور با قامت استراحت کرده

در کشتی سخا و قورخانه شهر طولان که یکی از شهرهای بزرگ فرانسه است و قورخانه در جای کشتی ساخته و تعمیر کردن زیاد دارد درین روزها آتش افتاده است آتش را زود خاموش کردند و بعد از آنکه تحقیق کردند که ابتدای آتش از کجا بوده است معلوم شد که کسی قصد این آتش را انداخته بود

بچه ای که پارچه چوب نیم سوخته و قطاب که تعمیر گرفته بودند و بعضی چیزهای دیگر که زود آتش میگردد در یک جا جمع یافته بودند اما محرک این عمل هنوز پیدا نشده است

در فرنگستان گذشته در بعضی بلوکات فرانسوی مخصوصه شامپین کرگنا بسیار زیاد وجود داشته اند بطوریکه گذشته از آنکه گوشت زیاد کشته اند چند نفر مردم را نیز زخمی کرده اند و اطفال را برده و خورده اند

از فرانسویان تجاری که در مملکت فرانسوی چاپ میزنند قند و شکر که از چندر میا زنده درین سال بسیار زیاد ساخته و حالا سیصد و سی شت کارخانه قند سازی در شکر سازی از چندر در مملکت فرانسوی دارند

در مشورخانه فرستاده گفتگویی شده است که اجرت مکتوبات
 خلق را که محل و نقل می کنند کمتر نمایند و قاعده بگذارند که هر چه
 اجرت این مکتوبات باشد صاحبان کاغذها پیش بد
 چون دیدند در ولایت انجلس که این قاعده در آنجا داشته اند
 زحمت تقسیم کردن و جو کردن کاغذها کمتر شده و هر منفعت
 دیوان زیاد گردید و هم خلق بجهت رسیدن نوشتهجات
 آسوده شدند و در ولایت انجلس اجرت کمتری که بیشتر از
 یک ورق نباشد و شاهای است اگر هر دولتی که بود
 داده اند در روی او باشد اما اگر بعد از رساندن کاغذ
 اجرت او را بگیرند چهارشاهی است و از آنوقت که در دولت
 انجلس این قرار را که داشته اند حساب کرده اند که از هر صد
 کاغذ نود و هفت کاغذ اجرتش پیش داده میشود و سه کاغذ
 بعد از وصول و در مملکت تبرک اجرت یک کاغذ اگر پیش
 و در شاهی و اگر بعد از رسیدن کاغذ بنده شاهی است
 حساب کرده اند که از هر صد کاغذ هفت کاغذ اجرتش پیش
 داده میشود و چهل کاغذ اجرتش بعد از رسیدن و در ولایت
 فرانسه که اگر پیش بنده بعد از رسیدن اجرتش یک
 از هر صد کاغذ هفت کاغذ اجرتش پیش داده میشود و باقی
 بعد از رسیدن حال میخواهند در مملکت فرانسه نیز اجرت
 مکتوبات را مانند ولایت انجلس قرار بگذارند و چونکه محل
 نوشتهجات خلق در اکثر دول روی زمین از جمله ایالت
 عمده دولت باعث آسودگی و پیشرفت کار خلق است
 چند وقت است که در مشورخانه فرانسه سخن گفتگو و
 مشورت درین باب می کنند که قرار درستی بگذارند

از شهرت که در مملکت مجاری است نوشته اند که قشک
 خبر بانجا رسید که امپراطور استریم را زخم زده اند اما
 نیت مردم جمع شدند و در کلیت با شکر از سلاطین امپراطور
 بعل آوردند اما از مردم آنجا بعضی را گرفته و حبس کرده اند
 که میگویند آنها نیز خبر ازین محل داشته اند سهل است
 چند نفر در یکی از میخانهای آن شهر سلاطین بستی نام
 که امپراطور را زخم زده بود میخوارگی میکردند و تیش
 داشتند که معذبین در آن ولایت مبادا یک شورش
 بکنند اما گویند از آنرا که دیدند که قشون و چاکران دیوان
 استعداد تمام دارند پروند دادند
 در روزنامه های دینارک نوشته اند که در چله کوه چک
 رستان گذشته سرانجام شادت کرده بود و در شهر
 کوپن تا کنون و آن اطراف برف زیاد آمده بود و مردم
 در عرض کالک که چرخ در کالک که بود ما بین مملکت دینارک
 و مملکت سوید آن دریای باریکی است که یک فرسخ عرض
 دارد و کان داشته که اگر سرما بآن شدت چند روز
 دیگر دوام بکند این دریا بخی خواهد لست و اهل آنجا ما بین مملکتین
 بر دی بیخ عبور میروند
 از هندوستان نوشته اند که جنگ در مملکت پیکو پیوسته
 بود و اهل برمه باز قشون کشی بان سمت کرده بودند که بک
 شهر پیکو را از دست قشون انجلس بگیرند قشون انجلس
 حمله آنها را کرده بودند و اهل آن اطراف شهر پیکو بنا بودند
 و خود را در زیر حمایت دولت انجلس کشیده بودند که ضرب
 و صدمه از قشون پادشاه بر نمیبینند و واقع خبر آخر که
 از هندوستان آمده معلوم نبود که این جنگ در تمام شود

۷۱۵

از اسکندریه مصر نوشته اند که در زمستان گذشته پادشاهی آن مملکت در مصر علیا بود اما در آخر حیدر کو حاکم لشکر قاهره پای تخت مصر را حجت کرده بود در روز دوشنبه که کشتی بخارا که چک تیر و بره انداخته انداخته است در هم بچلن میسراند و سیاحت در آن ولایت آن شده سیاحتان زیاد درین سال مبرآمده اند خصوصاً از این کشتی دنیای شمالی در اسکندریه مصر بخارا از اهل فرنگستان و سایر ممالک روی زمین بسیارند و اکثر تجارت ایشان از قله و سایر محصولات از جمله پنبه و غیره درین روزها گفتگونی شده است تا این تو تسولهای دول خارج و با مصر درین باب که تجارت دول خارج حاصل از رعایای آن پیش فرمیکند یعنی هنوز وقت درو ورود استن حاصل پول پیش میدهند و قیمت ارزان سلم میخورد پادشاهی مصر گفته است که این معنی خلاف قاعده است از آنکه باید اول مالیات دیوان ازین حاصل برداشته شود بعد از آن حاصل فروخته شود اهل دیوان زیاد ازین کارها کرده اند و در وسط مملکت مصر درین پیش داده و حال خزیه اند و باین سبب گرفتن مالیات دیوان مشکل شده در روزنامه انگلیس درین خصوص نوشته اند که حق بجانب دیوان است

۷۱۶

که در عرض چرخ بخارا بیاید و طرشتن این است که در عرض اینک بخارا آب باستغانت آتش حرکت بدیدوارا گرم میکند بی آب و چرخ را حرکت میدهد یک کشتی درین کشتی بخارا که چک تیر و بره انداخته انداخته است در هم بچلن میسراند و سیاحت در آن ولایت آن شده سیاحتان زیاد درین سال مبرآمده اند خصوصاً از این کشتی دنیای شمالی در اسکندریه مصر بخارا از اهل فرنگستان و سایر ممالک روی زمین بسیارند و اکثر تجارت ایشان از قله و سایر محصولات از جمله پنبه و غیره درین روزها گفتگونی شده است تا این تو تسولهای دول خارج و با مصر درین باب که تجارت دول خارج حاصل از رعایای آن پیش فرمیکند یعنی هنوز وقت درو ورود استن حاصل پول پیش میدهند و قیمت ارزان سلم میخورد پادشاهی مصر گفته است که این معنی خلاف قاعده است از آنکه باید اول مالیات دیوان ازین حاصل برداشته شود بعد از آن حاصل فروخته شود اهل دیوان زیاد ازین کارها کرده اند و در وسط مملکت مصر درین پیش داده و حال خزیه اند و باین سبب گرفتن مالیات دیوان مشکل شده در روزنامه انگلیس درین خصوص نوشته اند که حق بجانب دیوان است

اعلامات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالمجید با چاپ در محله نزدیک دروازه دولاب انطباع شده از نیز از چاپ مجلس المتقین بیت و هزار پانصد دینار
 حاشیه شیخ محمد تقی بر معالم بیت و چهار
 سهام عالم علی چهارم بخارا الاوار سه تومان و دو برابر
 تفسیر امام حسن عسکری یک تومان

در مملکت بخاراستان و در اکثر ممالک استر به بنیاد است که قشون را کم میکنند اما درین روزها کم کردن قشون را موقوف کرده اند سبب انباشت در مملکتین بخارا و سیاحت شخصی در مملکت سیکی دنیا چرخ و اسبابی اختراع کرده است

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز چهارشنبه بیستم جمادی الثانی سنه ۱۲۶۹

روزنامه
قیمت روزنامه
یک نسخه در هر یک
سه کت و چهار نذر



منظبه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک سطر اول چهار سطر یکبار
بیشتر با هر سطر بیشتر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شده است چون
خاطر اعلیحضرت پادشاهی مایل استقام امر در
نیاستد کاهی نفس و تحصیل متعلمین و تعلیم
رسیدگی و تسویق میفرماید از جمله در روز
این ماه ساعت بغروب یازده بدر سه فروردین
فرما کردیده بدرست ملین بجان بجان رسید فرموده و تا
یک ساعت و نیم در آنجا تشریف داشتند و بعد از آن
بباغ لاله زار تشریف برده چای و عصرانه در آنجا صرف
فرمودند و نزدیک بغروب آفتاب بهار مبارک
ارک سلطانی مراجعت فرمودند

آن ساحت بوده نزدیک بغروب از آنجا بهر سلطنت
عظمتی معاودت فرمودند
و هم چنین با مقتضای خرمی فصل بیار و طراوت و لطافت
هوای شیرین خاطر خیر اعلیحضرت پادشاهی مایل
چند روزه توقف قریه نیاوران گردیده در روز
بیت و دویم موکب سردری کوب هایون از دارالخلافه
طهران حرکت و بهارست جدید نیاوران که درین او
نهایت خرمی و صفار دارد با الشوکه و الاقبال نزول
اجلال فرمودند و بعد از چند روز توقف و تفریح و سیاحت
آنجا بزودی مراجعت خواهند فرمود

در روز چهارشنبه بیستم خاطر خیر لاکانه مایل تفریح
سمت در بند شمیران و آن اطراف گردید موکب هایون
با آنجا تشریف فرما شدند و چون درین اوقات سیاحت
آنجا بسیار سبز و خرم و هوای خوش دارد و لطافت
هوای آنجا مطبوع خاطر اقدس هایون افتاده هزار
در آنجا صرف فرمودند و تا عصر مشغول تفریح و سیاحت

بسم الله از نیامن اللطاف الی و طالع فروردین مطالع اعلیحضرت
پادشاهی هوای دارالخلافه طهران و حول و حوش اطراف
درین اوقات و کمال خوبی و اعتدال است و نسبت به
سابق که غالباً درین موسم که قریب پنجاه روز از عید
میگذرد هوای گرم می شد امسال از تقضات خداوندی
سبب بارندگیهای منوالی و موقوع بودتی که درین فصل
بر هوا غالب و نور آمار کر با هیچ ظاهر نشده است بخصوص

۷۱۷

درین هفتاد که از روز پنجشنبه گذشته چند بار بارندگی زیاد
شده و برف بطوری آمد که کوه سمران را سرسبز نمود و در هوا
بردست و صفائی بهم رسیده که نسبت به انبساطی دیگر از روز
فرا که تا حال بارندگی شده است بعد ازین موسم بارندگی
اقتصادی موسم بارندگی نایب موسم هوای سالن موسم چینه
صاحبان املاک و زراعت امید واری کلی حاصل خواهد
که حاصل غله بیشتر از سالهای دیگر بیاید

در روزنامه شهر نوشته اند که حاجی محمد بر اسم بر اثر طرانی
دکانی در بازار جدید جنب امامزاده زید دارد و قریب بیست
روز متجاوز است که طایفه اجنه در مقام اذیت او برآمده اند
بلوریکه بساط بازی او را یک وقت غفلت بمیان بازار میریزند
و از سقف دکان سنگهای بزرگ بجانب او می اندازند و
پشت و شانه او میخورد اما چندان دردی ندارد و گاهی نقل
و نبات از سقف دکان میریزند سقف دکان سوراخی
و میگویند آنچه معلوم کرده اند از سقف دکان ایچرک میزند
و الهی علی الراوی

بسیب بارانهای متوالی که درین روزها آمد در روزنامه شهر
نوشته اند که بعضی خانها و طوایف خرابی بهم رسیده و لکن
بکسی اذیت نرسید از جمله در شب بیت و دویم مطبخ و سنج
و بالا خانه نواب هزاره بهرام میرزا خراب شده اما کسی تلف
نکر دیده بود و همچنین چند روز قبل در محله سنگج خانه خراب
شد چند نفر در میان خانه بوده اند بجز دو فمیدان بیرون دویدند
یک نفر زن بعد از همه خبردار شده و خود را بمیان درگاه
بوده است که سقف پائین آمده و راهم بعد از آنکه خاک و خرابی را
عقب ریخته اند تنه دست بیرون آورده اند و هم چنین طوایف

عالیجاه طاهسفی خان در محله دلا جان خراب شده بارندگی
چند نفر غمگین و غیره و چند روز سال در آنجا بوده اند هیچک
استیسی نرسیده است

دیگر در اخبار شهر نوشته بودند که از روز دو شنبه هفتاد
گذشته آنچه اطباء تشخیص داده اند آثار ناخوشی و باد محله
سنگج بروز کرده است تا بعد خدا و علم حفظ نماید

امورات قشونی

از افواج افشار بقدر بیست نفر عقب مانده بودند درین اوقات
بهرای تقی بیک یا در فوج هفتم افشار و در در انخلا ف
طهران گردیدند و بعد از چند روز روانه خراسان میگرددند
که بفرج خود ملحق شوند

منصب تیرسی فوج نصار درین روز صاحب الامر
پادشاهی بجای حاج حسن خان پسر مقرب انخان حاجی محمد
مرحمت گردیده و فرمان نسیمون درین شب شرف صدور

فوج قدرسکی استرآباد جمعی عالیجاه بعلیستی خان بنک

حسب الامر کا یون درین روزها مرخص خانه شده که چندی
رفتند در خانه های خود استراحت نمایند تا وقتی که موز
خدمت شوند

سایر ولایات

از ریایجان از قراریکه در روزنامه اینولایت
نوشته بودند نواب مستطاب شاهزاده و الایا شسته
حکمران مملکت آذربایجان علاوه بر آنکه اتهامات زیاد در
کلیه امور آذربایجان دارند مسواره کمال مراقبت در نظم
وادعایا و امرتد کره عبور بعل می آورند از جمله این اوقات

قد غن کرده اند که اگر کسی بدون تذکره بولایات آنجا برود
مستحقین در روزنامه و سوارهای مستحق در شهر او اگر
بیایند که نواب والا از او مواخذة نموده دیگر احدی بی
سجائی رود و باین سبب امر تذکره آنجا نظم کامل دارد

دیگر نوشته بودند که مرحوم اخوند ملا محمد جبه الاسلام علی الله
که وفات یافته بود قروضی در ذمه داشته است نواب
مستطاب حسنة الله له مبلغ دولت تومان از بدی
مامقان داده اند که بقروض مرحوم مشارالیه داده شود

دیگر نوشته بودند که آقا جمعی حکاک ساکن محله پل سنگی
صبح بیزار آمدند و دکان خود را کشوده چند ساعت نشسته
بعد از آن بآقا اسد المکتب دار گفته بود که بازوی چپ من
بسیار درد میکند مشارالیه قدری بازوی او را مالش
داده بود و بعد از آن برخوایسته بمسجد مقبره آمده در نزد
محراب رو مشرق خوابیده دستهای خود را به پهلو انداخته
بود شخصی که در آنجا بوده است دیده است که این مرد خواب
و هیچ حرکت نمیکند نزدیک آمده دیده بود که وفات کرده

دارالمرز

کسیلان از فراری که در روزنامه رشت نوشته شد
مقرب آنجا خان حبیبی خان خاکم کسیلان که بجهت ملاحظه
نوکران از بی بان حدود دوازده بود تا پنج چهارم ماه حب
مراجعت نموده است و مدت هفت روز در آنجا توقف
داشته ان لوگر آنجا را بدقت دیده است و بنا داشته است
که با نژده روز در آنجا بماند بجهت ناخوشی و با که در آنجا

شده بود است زیاده از هفت روز در آنجا نماند است

فارس

ازین ولایت درین هفتة اخباری بود که در روزنامه
نوشته شد

خراسان

از فراری که در روزنامه سبزوار نوشته بودند فرمان
که حسب الاشارة العلیه بجهت تحقیق قبان بکده سبزوار
شرف صد و یازده بود تا پنج دوازدهم ماه حب
بآنجا آورده و در چهاردهم ماه مزبور در بالای
مسجد جامع فرمان مرلعان حضرت آقا سید سید
شائشاهی را با تعلقه جناب جلالت تاج صدر
خوانند در وقتی که حبیب و ضعیف و شریف و کرم
بلده و بلوک در آنجا حضور داشتند و جمیعاً بشکر گذار
درست قوی شوکت علی اقدام نموده اند از فراری که
نوشته اند اهل آن ولایت ازین تحقیق زیاده خویشند
و شاکر بوده اند بطوریکه مکلفه اند کرده هزار تومان تحقیق
داده می شد مردم بگویند خوشدلی

کرمانشاهان

در روزنامه این ولایت نوشته بودند که تیموری بقوت جلال
باطله و سادس شیطانیه ادعای بعضی مقامات مسکونه
و چند نفر از عوام را فریفته بوده است و خیال داشته است
که کم کم جمعی را بیدار خود داخل سازد و براه ضلالت بیندازد
چون دفع اینگونه اشخاص که مخرب سارین و مایه کراپی و اعراض عوام
از طریق شرع متین می شوند از جمله لوازم است نواب
از فراری که نوشته بودند حسب حکم هایون شائشاهی او را
برای اعمال خود رسانده و التفتش در آنجا نوشته شده است

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته شده بود امر آنکه
 از اتهامات ادلیای دولت قاهره و مزید بر قیت
 امیرالامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان
 قرین بحال نظم و انضباط است و از احدی خلاف قاعده
 و بی حسابی که دلیل بر بی نظمی باشد صادر نمی شود و اگر
 کسی مصدر سرقت و خلاف قاعده شود فی الفور بمقام
 و تادیب او برمی آید از جمله از قراریکه نوشته بود در پانچ
 که دو عاوه توپ از دارالخلافه طهران بکرمان برده بود
 بعد از ورود بانجا چون هنوز از طرز و طور و نظم و برآ
 امیرالامراء العظام سردار استحضار نداشتند در بیرون
 شهر مشرب کرده و آثار بدستی از آنها صادر شده بود
 بعد از استحضار سردار بر این معنی تنبیه کامل از آنها
 آورده است که مایه عبرت سایر توپچیان و اهل نظام
 بشود و کسی هم که با آنها شراب فروخته بود گرفته و محکوم
 نموده است

۷۲۰

که بنا دارند از آن بپسند که ملت جهود را که بقادر
 مشورتخانه دولتی راه نمیدانند حال از آنها نیز وکیل در
 مشورتخانه باشد و بعضی رفتار که نسبت با ایشان بانجا
 در ولایت انجلس میکردند مانند این بود که از اهل خارج
 باشند و رعیت دولت انجلس محسوب نشوند حال درای
 که داده اند این است که مانند سایر رعایای دولت
 انجلس با آنها نیز رفتار نمایند

دیگر نوشته اند که گفتگو در خصوص فرارهای فرنگستان
 که بان ولایت پناه آورده اند باز در میان بود و هنوز
 تمام نشده بود و لیکن بجان داشتند که این گفتگو را
 تمام نمایند که کل دول خارج که بدولت انجلس دوستی
 و دوست دارند رضی باشند

عجمان

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که صارم پاشا
 حاکم طرابلسان شده است و سوار کشتی بخار دولتی که
 طایف مینان شده بود که بطرابلسان بیاید

دیگر نوشته اند که لاری کتیکالیچی کبیر دولت انجلس معتم
 اسلامبول در روز سه شنبه بیت و چشم ماه جادوی
 دارد اسلامبول شده بود

دیگر نوشته بودند که بعد از عید نوروز در سمت ارزنة الروم
 و سرحدات ایران و آن اطراف هوا بسیار سرد شده
 و بارندگی زیاد کرده است از جمله در ارزنة الروم نوشته اند
 که در بیت و سیم و بیت و چهارم جادوی الاخری در
 کرده و آزار زده ملا سلیمان الی قریه که در آن سمت است
 و موسوم بخراسان و نزد یک بارزنة الروم است

و هم چنین نوشته بودند که بخانه دو نفر رعیت دزد
 بعضی مخلقات جزئی برده بودند مراتب بعضی امیرالامراء
 سردار رسیده بکده خدای آن محله غن کرده بود که با
 عمده اموال سرود و قه براید یا اینکه سارق را پیدا کرده
 بست بد چون دزد معلوم نشده بود عذامت اموال
 آن دو نفر از کده خدای محله گرفته و با آنها داده بودند که
 ازین کده خدایان محلات در نظم شهر بقیه یاد بخل آید

اخبار دول خارج

انجلس از لندن پای تخت این ولایت نوشته اند

برف چنان آمده است که تردید مشکل شده بود

و نیز از ارزنده الروم نوشته اند که جناب جلالت نام
قولی شیل الیچی مخصوص و وزیر مختار از جانب دولت
بهت انگلیس که سالها مقیم در آنخلافت طهران بود درین
روزنامه حاجت بولایت انگلیس نمود در روز پنجشنبه پنجم
رجب وارد ارزنده الروم گردیده بود و بنا داشته است
که چند روز در آنجا توقف نماید و بعد از آن بسبب طرز

روانه شود
استریه

از شهر وینس پای تخت این مملکت نوشته اند که امیر
استریه را که زخم زده بودند خشن بالمره خوب شده
و بنا بر سبب اول جمادی الاخری بکلیت ای بزرگ آن
رفته بود و جمعیتی از خلق هم در آنجا حاضر شده بودند
که شکر این سلامتی امیر اطور را بجا آورند

درین روزنامه عهدنامه تجارتنی مابین روسین استریه و پرده
بسته شده و باعث آسودگی خلق گردیده بود و این خبر
سبب مزید موت روسین خواهد بود

در باب مقتدین مملکت استریه در مجارستان که چند
سابق بر این بنیاد استند که آن مملکت را دوباره بر
زده انقشاش برپا نمایند نوشته اند که در کل ممالک
مجارستان ازین اشخاص بودند و بنا داشته اند که اول
بشهر گومارن بیاورند چاکران دیوان مجبر شده و بعضی
از معتصمین را گرفتند و کی از آنها که تقصیرش ثابت شده
بود حسب احکام دیوان کشته گردید

در خصوص فراریهای مینس که در مملکت روسین نوشته اند

چنانکه در روزنامه سابق نوشته شده است دولت
استریه از دولت روسین خواهرش کرده است که فراریها
مربور را از آنجا بیرون نماید و دولت پردهس نیز درین باره
هم مصلحت دولت استریه است زیرا که رعایای آن دولت
که در ولایت خودشان مقصود یوان بودند بدو تسلی
رفته اند و پیوسته در خیال اغتشاش و جسم زدن
دولت خارج هستند و دولت روسیه قشون نیز بان

فرستاده اند و امیر اطور استریه در خصوص فراریهای
مربور چند حکم داده و این احکام را در روزنامه اعلان کرده
اند جمله اینکه هر کس از آن مملکت فرار کرده باشد ملک
و اموالش ضبط دیوان است و این حکم هم نسبت بانها
که درین ایام آخر اغتشاش و جنگ بدولت سیکردند
هم نسبت بانهاست که سه سال پیش ازین بدولت باری

و جنگ کرده و رفته اند

فرانس

تا پنج روزنامه آخر که از پاریس پای تخت این ولایت رسیده
سیم ماه جمادی الاخری بود و قرار داده بوده اند که جلوس
فرانس در روز شنبه عرته ماه شعبان با خود پایاک بزرگ ملت
کتولیک و پادشاه روم است باید در آنجا حضور داشته باشد
و عالی که قانون کتولیک است در جلوس امیر اطور بخوانند

و دیگر نوشته بودند که وزیر مختار از جانب پادشاه روسیه
مخصوص از جانب دولت اسپانول الیچی مخصوص از جانب
دولت لندن همه بحضور امیر اطور فرانس رفته و مبارکبادی
از جانب دول خودشان بجهت روسی امیر اطور فرانس نموده بودند

۷۲۱

پروستیه

در یکی از روزنامه‌های پروس نوشته که پیر مردی از ازا
 قشون که در جنگ حمل سال پس در قشون خدمت کرده بود
 در این اوقات مجلس جشنی بپا داد آن ایام بر پا کرده همسرت
 میزد و برادر پادشاه پرستیه چون که خود نوشته بود
 بجای جشن آنها بیا یک عذی با بل آن مجلس نوشته بود این
 مضمون که چنان سال قبل ازین من خودم سر کرده همین قشون پرستیه
 بودم و در روی دشمنان غیرت و شجاعت این قشون پرستیه
 بحال ظاهر گردید و منظور جمع شدن قشون امروز این است که
 رشادت و جلال و فتح و استقلال آن ایام را بیا در خلق
 حال سی و شت سال است که صلح و امانت می بینیم و این
 بر جنگ آن ایام است اما روزی خواهد شد که دوباره جنگ
 و آشوب بر پا شود زیرا که اعتقاد من این است که ما و ایسکه
 بی نوع بشود روی زمین چنانستند در میان شان جنگ و
 آشوب خواهد بود و اگر خدا نخواسته دوباره جنگ نشود
 از قشون امروز نیز خاطر جسمی دارم که مانند قشون آن ایام
 بارشادت و شجاعت جنگ خواهند کرد

احوال متفرقه

از جمله محتاج عمده که در فرنگستان دارند یکی این است که
 تمامی کوچه‌ها را از سنگ تراشید و فرش می کنند و درین
 خصوص چند چیز دیگر اختراع کرده اند که بکلی حش کترو
 و امشیشتر شود و چون که در فرنگستان اکثر تردد در کوچه‌ها
 بکالک مشو چرخ کالک و آب که در میانش بار سنگین
 گذاشته باشد اگر فرش کوچه را محکم سازند زود جدا
 میکند و درین روزها در شهر باستان یکی دنیای شمالی

از چوون چیزی ساخته اند بر یک دایره گرد ریخته اند
 مانند طوق دوره چرخ عاده و بیانش هم شبک از
 چوون ریخته شد است که پای آب بیانش نرود اینها
 در زمین فرش می کنند و بیانش را که خالی است از یک
 ریزه پر میکنند و بسکو بند بسیار محکم میشود و بجهت تردد آب
 و کالک که غیره بهتر از سنگ و چوب است

در وسط مغرب زمین را که در کتب جغرافیا و فرقیانیا می نامند
 در روی نقشه تفصیل نوشته اند و از کسانی که ساحت
 معمره دنیا را کرده و نوشته اند کتری آنجا نوشته اند
 بروند و احوالات آن سمت روی زمین در تاریخ قدیم
 یا تاریخ این ایام هیچکدام از روی تحقیق نوشته نشده و
 سرچشمه رود نیل هنوز درست نمیدانند که از کجاست
 و بسیاری از رود خانهای عظیم هم در سمت مغرب
 این مملکت بجز محیط داخل می شود از آنچه بسیاری از
 سیاحان فرنگستان از دریا داخل این رود خانها
 شده و بیان ولایت رفته اند و خیلی از آنها هم بعلت
 بی آبی و هوای آنجا تلف شده اند یا بابت خلق آنجا
 کشته شده اند درین روزها هم چند نفر سیاح از سمت

مان سمت رفته اند و بعضی جاها که تا حال کسی ندیده بود
 سیاحت کرده و تفصیل از آن نوشته اند بعضی از رود خانها
 بزرگ را که از بحر محیط سمیت بالا رفته و دیده اند بخلایف
 اکثر رود خانهای روی زمین هر چه بالا تر رفته و بسیر شده
 نزدیکتر شده اند رودخانه بزرگتر شده است و باین سبب
 گمان کرده اند که باید در وسط مملکت افریقا در بای آب
 شیرین با و این رود خانها از آنجا جاری خواهد بود

سیاح دیگر هم از ملک حبش داخل وسط افریقا شد
 و در آنجا که نزدیک بحیره است کوهها دیده است
 که چنان مرتفع اند که برف مدامی در سر آنهاست و سپهر
 بعضی از رودخانهها را دیده است که آبشان داخل رود
 نیل میشود اما هر چند خود رود نیل را تا بحال کسی معلوم
 نمیکند که دولت انگلیس و دولت روسی دنیای شمالی
 بنا دارند که مابین بحر محیط اقیانوس و بحر محیط معتدل درجا
 که پانامه سینا منند که خشکی باریکی است مابین روسی دنیای
 جنوبی و شمالی نهری بجهت کشتیهای بزرگ بسازند
 چند سال پیش ازین گفتگونی مابین دولت انگلیس و
 روسی دنیای شمالی درین خصوص بود و بنا داشته اند که آن
 از طرفین داده شود که االی ملکین این نهر را حفرت نمایند
 و کشوده باشد بجهت تردد کشتیهای کل اهل روی زمین
 بسبب زیادتی اخراجات تا هنوز این نهر ساخته نشده
 و اگر بجهت تردد کشتی کوچک سازند شازده کرور
 دارد و لکن این کشتیها که بدریا میروند کشتیهای بزرگ
 و بجهت تردد کشتیهای بزرگ آب نهر با پشت ذرع عمیق
 داشته باشد زیرا که کشتیهای بزرگ که در بحر محیط
 میروند هفت ذرع چیزی بیشتر میان آب می نشینند
 اگر باید نهری ساخته شود که پشت ذرع عمیق داشته باشد
 چهل کو در خرج دارد و در مابین سمت مشرق یکی دینا نامت
 مغربش حال رود زیاد است جانی که آبادی یکی دینا
 نزدیک بدریای سمت مشرق این مملکت است معادن
 طلائی کفی فاریان نزدیک بدریای مغرب است پارا

از هندوستان یا از سمت مشرق یکی دینا یکی فاریان
 میفرستند باید سه چهار ماه در روی دریا راه بروند
 که سه ربع مملکت سینیکی دنیای جنوبی و شمالی را دور میزنند
 اما اگر این نهر ساخته شود در عرض این سه ماه راه بیشتر
 شش روز راه ندارند زیرا که آنجا که خشکی است تخمینا سی
 چهل فرسخ راه است و بعد از ساختن نهر نیز بود راه جاری
 بجز از موقت آن کشتیها که در آن راه میروند خواهند گرفت
 و کان میزند که اگر چه در اول اخراجاتش زیاد خواهد بود
 اما موقت کلی بجهت بر کس که درین راه مایه بگذارد و شریک
 این عمل شود خواهد کرد نهری که میخواستند بسازند
 ذرع باید عمیق داشته باشد و چهل ذرع عرض و در دو سر
 هر که داخل دریای شود لنگرگاه خواهند ساخت
 در یکی از روزنامههای انگلیس نوشته اند که در هندوستان
 دولت انگلیس لؤلؤ طلای قدیم اولویت را که مهربانان
 در عرض مالیات میکنند و مردم کان میکنند که دولت
 شوش می کند که همه طلا بجهت فراوانی طلای استرالیان
 و کفی فاریان تنزل بکند و این حسد سبب تنزل قیمت
 طلا شده است و صرافان و تجار در هندوستان پول
 طلا را بقیعت ارزان میخرند و میفرستند بجای دیگر
 منفعت زیادی کنند
 در هندوستان که جزیره میباشد در بحر هند و در سر راه
 کشتیهاست که بچین میروند درین روزها معدن ذغال
 سنگی حبه اند و چون کشتی بخار که مابین هند و چین رود
 بکند ذغال سنگی زیاد باید بردارد و مابین سبب

۷۲۳

تجارتی که عمل می کنند اگر این معدن و غال سنگی در آنجا
 درست کار بکنند منفعت زیاد سجد اهل کشتیهائی که بان
 سیر و نزد خود کرده و نزدیک بسنگ پور طلا هم حسب اندوختگی
 نیز در آورده اند اما معلوم نیست که منفعت بکنند یا نه
 در هنگامی که پادشاه بواریه در روم بود جامائی که قشون
 فرانسه توقف داشتند در ایام محاصره آن شهر صدها
 کشت و سیر کرده و جامائی که مارچ و سنکر و غیر ساخته
 بودند همه را تماشاکرده بود و از چهارت قشون فرانسه
 درین محاصره کردن و گرفتن شهر بسیار خوش آمده و بسندید
 و خیلی قشون فرانسه را از هر سبب توصیف و تعریف کرده بود
 در مالک انگلیس در دو جا حاضر استخانه دارند یکی در پای تخت
 لندن و یکی در هندوستان که محض هندوستان است
 و تا بحال اذن نداده اند که در جای دیگر حاضر استخانه برآید
 عینا زنده اگر چه مالک دولت انگلیس در روی زمین متفرق
 و بسیار از یکدیگر دور و این قاعده سبب محنت زیاد است
 خلق شده است و لکن باعث منفعت تجار گردیده است در
 استرالیایا که طلا در می آورند خاک طلا یا پارچه شمش که از زیر
 زمین در می آورند بقیعت ارزان می فروشد و لکن طلای مسکوک
 کم یاب و گران است از آنجه تجار خاک طلا را میخرند و بولایت
 انگلیس میفرستند که در آنجا فروخته شود و موسم چنین شجاری
 در لندن نشسته اند اول مسکوک بکشتی باری می کنند و بملکت
 استرالیایا روانه می نمایند که در آنجا بقیعت خوب رواج است
 از انگلیس تا بملکت استرالیایا تخمینا چهار ماه یا پنج ماه
 راه است هم طلا از آنجا بولایت انگلیس می آورند و هم طلای
 مسکوک را در آنجا بقیعت خوب بفروش میرسانند

۷۲۶

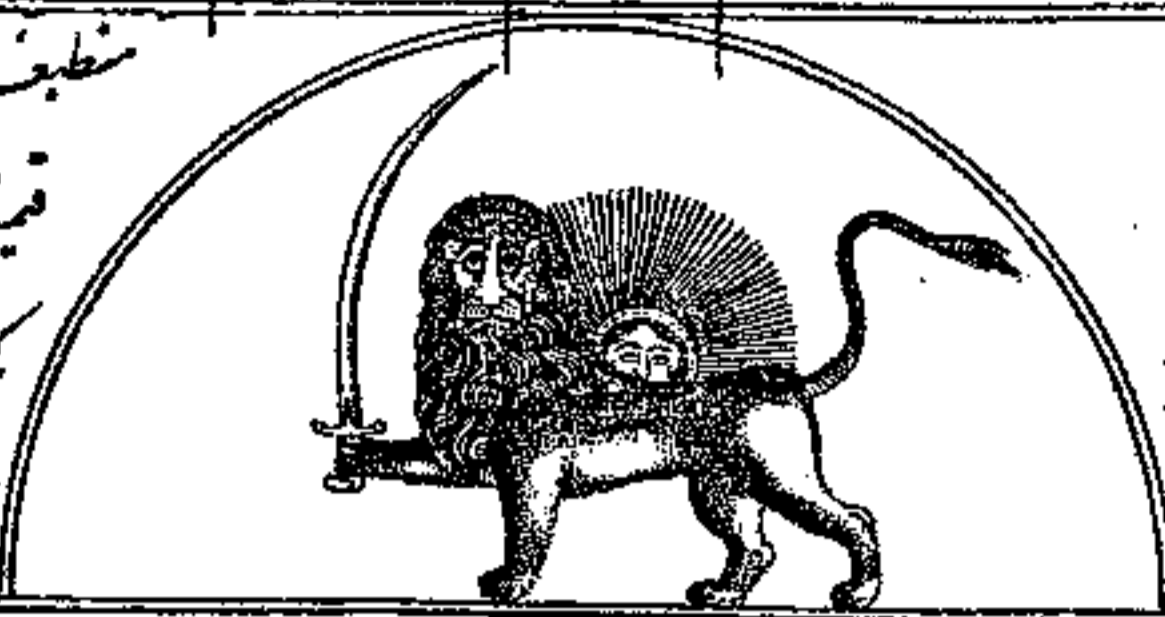
تسویس راه و اخراجات زیاد جسم دارد از آنجه
 اهل انگلیس که در آنجا تجارت دارند بدولت عرض کرده اند
 که اذن بدهند که در ملکت استرالیایا حاضر استخانه برآید
 اما معلوم نیست که دولت عرض آنها را قبول بکنند یا نه
 در ملکت فرانسه نسبت به بعضی مالک دیگر مسکوک
 مخصوص اصیل و نجیب این سبب هر سال از ولایت
 انگلیس اسب میخرند و از برای قشون سواره نظام و توپخانه
 و غیره از دولت ملکت اسب میخرند یکی از ملکت انگلیس و یکی از
 ملکت فرانسه و این جهت دولت فرانسه پول زیاد به بلجی
 خرج میکنند که بلکه اسپهائی را که لازم دارند در ولایت
 خودشان بعل بیادند و درین سال در دستور العمل
 اخراجات دیوان پانزده هزار فرانک که بخواه هزار فرانک
 پول ایران باشد بخرند اخراجات بلجی همین کرده اند

اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالمجید با چاپ
 در محله رزیه دروازه دو لاله الطبع شده از این قرار
 فروخته میشود
 مجلس المتقین بیت و دو هزار و پانصد تومان
 حاشیه شیخ محمد تقی بر عالم بیت و چهار صد
 سما عالم حله چهارم بجا لالوار سه تومان و دو پانصد
 مجمع اربیان شش تومان
 تفسیر امام عسکری یک تومان
 شاننامه چهار تومان و نیم
 خدمت نظامی نه هزار و دینار
 دستبان یک تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۲۶۹

نمره صد و نوزدهم
قیمت روزنامه
یک ششده هر یک
دکان چهارشمار



منظیف دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک صیقل اجاره یکبار
برشته پنجشمار

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی درین اوقات در عمارت جدید سربینیاوران شیران تشریف دارند و اکثر خدام دربار سپهر احشام نیز در آن اطراف یک منزل کرده یا چادر زده اند یا در خانه ها سکنی نموده اند که ملتزم رکاب همایون و حاضر انجام خدمت محوله بخود باشند

نظریه فورم اسم ملوکانه در باره نواب مستطاب شاهزاده والا تبارار و شیر میرزا درین اوقات از وزارت زمان مهربان مبارک حکومت دارالخلافه طهران و توابع آن را که پایگاه سریر خلافت و جایگاه اوریک سلطنت و از سایر ولایات ممالک محروسه برتقدیم و شرف بزرگی داشته و حکمرانی این ولایت نسبت سایر حکام دیگر ولایات بحسب رتبت و مقام و مکان است اقبال و اختصاص بهم رسانده بنواب معری معوض و اورا با عظام این رتبت از حسیع حکام و سایر و فرماندان ولایات سمت اختصاص و اقبال دادند که

از ابتدای نهمه اسفند او دیل و ما بعد حکومت دار مبارکه مخصوص نواب معری لهیه بوده و در ازای مبارک یک لوب جبهه ترمه لاکه پنجه دار از طبقه خاص خاص با در حلقه مرحمت فرمودند

همچنین نظر بقدمت خدمت و حسن کفایت و کاروانی و راست قسلی عالیجاه مقرب انخاقان میرزا امیر مستوفی و دیوان اعلی وزارت نواب مستطاب شاهزاده والا تبارار و شیر میرزا و داد و ستد معامله دیوانی در اطراف و بلوکات و دعوات خالصه دیوانی را از ابتدای نهمه اسفند او دیل و ما بعد لهینه کفایت مقرب انخاقان مشارالیه معوض و مرجوع فرمودند و زمان همایون درین باب شرف صدر و دریافت با عظامی یک لوب جبهه ترمه لاکه مختلعه و مباحی کرده که با کمال امیدواری مشغول نظم خدمات محوله بخود باشند

چون امیرالامراء انتظام مقرب انخاقان میرزا محمود خان کشتیکی پاشی ساهاست که ابا عجد مشغول خدمتند

۷۲۵

دولت ابد مدت بوده و بخصوصه از بد و طلوع نیز از دولت ابد
ایت طور ابعداً طرز آثار کفایت و کار دانی و مراسم خدنگذاری
خود را ظاهر ساخته خدات مغرب انخافان مشارالیه در خاکهای
اعلیه شرفی شوکت پادشاهی زیاد مقبول و مطبوع افتاده بود
لذا باقتضای محنت کماله سلطانی یکقطعه شان صورتی مثال
هایون که اجل عطا یا است بافتخار مغرب انخافان مشارالیه
و عنایت شد و فرمان مبارک نیز شرف صدور یافت

چون عالیجاه و لیخان پسر عالیجاه چرخ علیخان نایب الحکومه اصفهان
که پیشکش حضور هایون را در شب عید نوروز سلطانی بدر بارش
هایون اعلی آورده بود مراتب قابلیت و شایستگی و استعداد
او در خدمت اولیای دولت قاهره مشهود و کشف افتاده
بر حسب حکم هایون اعلی او را بمنصب علامه شیخ محمدی سرافراز فرموده
و ویست تومان هم بصیغه موجب دربار او و محنت و بر
شن فرمان مبارک نیز شرف صدور یافته یکقطعه مثال
قبایرسم خلعت مبارک عنایت کرد

امور استفتوی

نظر بطور مراتب کفایت و ارادت و صداقت امیر الامراء العظام
اجودان باشی که اجل مقربان درگاه پهرت شام حسن بنکوبند
و خدمتگذاری او در انتظام امر عا که منصوصه نظام روز بروز
پیشگاه حضور در ظهور شامی بیشتر و در قبول استخوان یا
شایسته نیز محنت و ارتعاع مرتب و مشمول توفیق کماله
و عنایت خسر وانی گردیده درین اوقات بزیادت مغرب
اختصاص و امتیاز یافته علامه منصب جلیل اجودان باشی
که داشت باعطای رتبت نبیل سرداری سربند وین
مناز و از محنت گردید فرمان بر لسان در باب این منصب خطبر

شرف صدور یافت باحاطی که مخصوص این مرتبه است باقتضای
یکقطعه شان صورتی مثال هایون بافتخار امیر الامراء العظام
مغزی الیه محنت عنایت کرد

نظر بحسن قابلیت و استعداد و شایستگی عالیجاه ابو الحسن
پسر عالیجاه علی بن شیخ خان سرتیپ فرج قهرمان این اوقات
حسب الاشارة العلیه او را بمنصب سرتیپکی سرافراز فرموده
و فرمان مبارک نیز شرف صدور یافت

چون عالیجاه حاجی میرزا محسن باب انعامات و شایستگی
خود را در خدات محوله بخود مشهود و کشف داشته اند
اوقات از قرار حکم نظامی بمنصب نیابت و دیم اجودان باشی
سرافراز و مبلغ سصد تومان اصلاً و اضافتاً موجب انضمام
جیره در وجه او از دیوان اعلی محنت کرد

فوج ششم تبریزی ابوالجمعی مغرب انخافان محمد خان میرزا
که احضار رکاب حضرت انتاب سبما یون شده بود
در روز یکشنبه بیت و دویم ماه گذشته وارد دارالخلافه
مبارک طهران گردیدند

و ستم چنین اوضاع محتمل و جدید که از جمعی عالیجاه علی بن
سرتیپ که احضار رکاب هایون شده بود در روز بروز
وارد گردیدند

اخبار شهر

چنانکه در عقبه گذشته در روزنامه شهر نوشته شده بود
درین روزنامه ناخوشی و باکی در شهرت و لکن بجهت نسبت
بناخوشیهای سالهای سابق چندان شدت ندارد
معاینه که عالیجاه مغرب انخافان حکیم کلوه حکیم باشی اعلیه
پادشاهی نوشته بود و در روزنامه سابق در نمره ۱۱۷ نوشته

۷۲۶

بعضی اشخاص خوب فایده کرده است از جمله چند نفر را که گمانش
بوده اند مقرب الخاقان شارالیه و کسان او بجان نغظ
سغید بقرا یک نوشته شده بود معاصجه کرده اند و اغلب
یافته اند

در روز یکشنبه پست بهنم ماه گذشته شخصی از اهل
هرسین در شهر دزدی کرده بود او را گرفتند نزد نواد
مستطاب شاهزاده و الا تبار را در شیرمیرزا حاکم دارالخلافه
طهران آوردند و بعد از تحقیق شدن دزدی او نواب
معزی السیه حکم نمودند تنبیه و سیاستی که سزاوار او بود
نموده و در بازار را گردانده باخراج بلد کرد

در پنجین در روز دو شنبه سلخ ماه گذشته نیز شخصی
از اهل طهران دزدی کرده بود مراتب بعض نواب معزی السیه
رسیده و در اسم بعد از تنبیه و سیاست حکم باخراج
بلد نموده از دارالخلافه طهران بیرون کردند

سایر ولایات

آذربایجان درین هفته اخباری ازین ولایت رسیده است
رنجان

از فرار که در روزنامه رنجان نوشته بودند فتحعلی نامی اندر ری
که از توابع طارم بوده زمین را بجهت زراعت بسیار میکرد و در
ریز زمین خنی یافت است که اطرافش را با بجز و آبک مسدود
کرده بوده اند مطلب را مخفی داشته در وی ختم را بازوشانده
و شبانه با سجد او دو نفر دیگر ختم فرور رنجان سپهر خجوری
برده پنهان نموده بوده اند مراتب توسط تیول دار آنجا بعض
عالیجاه مقرب الخاقان امیر صدخان حاکم رنجان رسیده
اولا فرستاده جای ختم و قطره او را مشخص نموده اند که تحقیق

پانزده من شیر یا امثال آن سیکرده و از فرار مذکور در میان
ختم فرور نقره بوده است آن سه نفر را که آورده اند هرچنان
تحقیق کرده اند چیزی بر دزدانده اند اما اقرار کرده اند که
خجی هر سببه بود و بجز سپهر خجوری بیک برده و سپهر
و از سپهر خجوری بیک نوز تحقیق نشده است

دارالمرز

گیلان و مازندران ازین دو ولایت درین هفته
اخباری نبود

استراباد

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته شده بود امورا
ان ولایت در کمال انظام است و االی آنجا در نهایت رفاه
و آسودگی میباشند و زراعت آنجا امسال بسیار گشته
شده و بارندگی فراوان کرده امیدواری بسیار برای
زراعت کاران آنجا حاصل گردیده است و همه در کمال کمال

میباشند

دیگر نوشته بودند که از فنی آبادش نفر لقمچی بکاررفته
بودند در وقت مغرب به بیخاه سوار ترکان بر خورده
و با آنها شلیک نموده بودند سواران بر شکست خورده
یک نفر ترکان در سر تیر افتاده و کالوقت دو نفر از
علامان یوزباشی رسیده ترکان را سر کرده و سواران
نزد مقرب الخاقان محمد و لیجان بیکر بسکی استراباد آورد
بودند و شارالیه با آنها خلعت و انعام داده بود و کمر
نوشته بودند که عالیجاه محمد علیخان فوجروی در نظر طرف
و رفع سرفه ترکانان کمال انعام را دارد
گرمان ازین ولایت اخبار است و هفته آینده نوشته خواهد

۱
۲
۳
۷۲۷

اصفهان

آنجا اورا استقبال نموده و لوازم احترام را بعل آوردند
 از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند کمال
 ایت و انتظام در آنجا حاصل است و تا چهارم
 رجب نوشته بودند که بارنگی درستی نشده بود
 اگر چه چند روزی آب در رودخانه جاری بود اما معلوم
 که مایه که موجب اطمینان و امیدواری اهل زراعت باشد
 ندارد تا اینکه از تفصیلات چنداوندی در شب چهارم
 ماه منور از اول شب تا غروب روز پانزدهم علی الا
 باران و افزایند و اراضی آنجا سیراب نموده ازین بگذرد
 امیدواری کلی برای عسوم المالی آنجا حاصل گردیده
 بدعا کونی و شکر گذاری دولت علیه استعال دارند

اصفهان
 از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند از آنجا
 اولیای دولت قاهره و مزید مراقبت و ایش شایسته
 هشام الدوله کمال ایت در فاه و اساسش سبب عظیم
 اعلی آنجا حاصل است و منت کمال و خور را دار غله
 بار سال بسیار و غوز دارد و ارزان است و حاصل
 هم در هر جای آن ولایت زیاد کاشته شده و سبب
 زیاد که درین اوقات شده است امیدواری کلی دارند
 که غله از سالهای دیگر بیشتر و بهتر بیاید و ارزانتر باشد

عربستان

اصفهان
 از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند از آنجا
 اولیای دولت قاهره و مزید مراقبت و ایش شایسته
 هشام الدوله کمال ایت در فاه و اساسش سبب عظیم
 اعلی آنجا حاصل است و منت کمال و خور را دار غله
 بار سال بسیار و غوز دارد و ارزان است و حاصل
 هم در هر جای آن ولایت زیاد کاشته شده و سبب
 زیاد که درین اوقات شده است امیدواری کلی دارند
 که غله از سالهای دیگر بیشتر و بهتر بیاید و ارزانتر باشد

اصفهان
 از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند از آنجا
 اولیای دولت قاهره و مزید مراقبت و ایش شایسته
 هشام الدوله کمال ایت در فاه و اساسش سبب عظیم
 اعلی آنجا حاصل است و منت کمال و خور را دار غله
 بار سال بسیار و غوز دارد و ارزان است و حاصل
 هم در هر جای آن ولایت زیاد کاشته شده و سبب
 زیاد که درین اوقات شده است امیدواری کلی دارند
 که غله از سالهای دیگر بیشتر و بهتر بیاید و ارزانتر باشد

اصفهان
 از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند از آنجا
 اولیای دولت قاهره و مزید مراقبت و ایش شایسته
 هشام الدوله کمال ایت در فاه و اساسش سبب عظیم
 اعلی آنجا حاصل است و منت کمال و خور را دار غله
 بار سال بسیار و غوز دارد و ارزان است و حاصل
 هم در هر جای آن ولایت زیاد کاشته شده و سبب
 زیاد که درین اوقات شده است امیدواری کلی دارند
 که غله از سالهای دیگر بیشتر و بهتر بیاید و ارزانتر باشد

اصفهان
 از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند از آنجا
 اولیای دولت قاهره و مزید مراقبت و ایش شایسته
 هشام الدوله کمال ایت در فاه و اساسش سبب عظیم
 اعلی آنجا حاصل است و منت کمال و خور را دار غله
 بار سال بسیار و غوز دارد و ارزان است و حاصل
 هم در هر جای آن ولایت زیاد کاشته شده و سبب
 زیاد که درین اوقات شده است امیدواری کلی دارند
 که غله از سالهای دیگر بیشتر و بهتر بیاید و ارزانتر باشد

اخبار دول خارجه

انگلیس روزنامه آخر که از این ولایت رسید تاریخ یوم جمعه مضمون جمادی الشانی بود از اخبار دولتی چیزی که قابل نوشتن درین روزنامه باشد بود بجهت نقل توپهای سنگین با اسبها و فورخانه و توپچیان و غیره در راه این صرح بخار بلور غریب تازه اختراع کرده اند عراب ساخته اند بسیار محکم و بروی صرح آهن گذاشته اند و توپهای سنگین را با توپخانه و توپچی و اسب و اسباب بروی او گذاشته در اندک مدت براه انداخته و صرح بخار با ولایت اندک در چند ساعت به طرف مالک انگلیس بجا میسر تواند حرکت بد

هندوستان

کاغذ آخر که ازین ولایت رسید تاریخ روز شنبه نیم جمادی الاول بود از مملکت برمه نوشته بودند که پادشاه آنجا وفات کرده بود و اما درست معلوم نبود که او را کشته اند یا خودش مرده است و درین خصوص چند قسم نوشته است یکی از اهل آن ولایت که او غایب است بگوید بنزد سردار آنکه در آن ولایت بود آدم فرستاده بود که جنگ را موقوف نماید و سردار نیز بر رفته بود که او را ملاقات کند و بنا داشت که یک سرتیپ و سه نفر صاحب منصب بر سیم پیای تخت بنیستند مردن پادشاه برمه را که پادشاه آووه نیز میگویند که پای تخت است قسم دیگر نیز نوشته اند که چون سمت جلگه و زمین سواران ولایت که حاصل خیر است خصوص برنج که خوراک اکثر اهل آن ولایت است بست قشون انگلیس افتاده بود و آووه در پای تخت کم یاب شده و اختلاف و اختلاف مابین اهل بخار روی داده و وزیر اول از پادشاه

یا غنی شده و پادشاه را از تاج تخت انداخت و بعضی میگویند که پادشاه را کشته و اقوام او را بچوبس کردند و برمه شهر پیکور را محاصره کرده بودند که بلکه از تصرف قشون انگلیس بیرون روند وقتی که این خبر از پای تخت آووه آنها رسید اغلب قشون برمه خود را پس کشیدند اگر چه در میان جنگهای اطراف آن شهر تفکیک بسیار بود و اگر کسی تنها از شهر بیرون میرفت او را بر تیر میزدند و یک صاحب منصب انگلیس همین طور کشته شده بود و در بعضی جاها ای دیگران باز جنگ بود و در یک جانی سفش عراده توپ و قدری قشون انگلیس بست حصاری رفته بودند و توانستند بگیرند و مرا کردند در جای دیگر حصاری سخت بالای کوهی بود قشون انگلیس که بان سمت رفته جای جنگ بود و کوههای بسیار بلند قشون انگلیس شب بی صدار و بروی حصار مرز نور فرستند و اهل حصار از نزدیک بودن قشون انگلیس بی خبر و سسه در خواب بودند یک دسته از قشون انگلیس بالای بلندی رفته میان اهل حصار که در خواب بودند شلیک کردند و دسته دیگر که در برده داخل دروازه حصار شدند و اهل حصار همه که سخت تر اسباب حرب و هر چه در حصار بود بجا گذاشته بودند و در جای دیگر هم که قلعه بود و قشون انگلیس از دست اهل برمه گرفته اند باذاختن چهاره و فشک جنگی و اهل برمه را از آن قلعه بیرون کرده اند و قلعه را متصرف شده اند و ضعیف تر بنحیر قبل بست قشون انگلیس افتاده است با عرابهای بسیار و درین حصار توپها بسته اند بر یک غریب که از فی ساخته و باطلنا به سیم بسته بوده اند و همه ترکیه بوده اند معلوم شده است که این توپها را محض یک فیه تیر اندازی ساخته بودند

۷۲۹

لاکول است در رفته و منزل میرسد است و خود تو...
و خراب می شده است و دوباره دیگر تیراز او انداخته...
انگلیسها از قه از راه رود خانه بشهر بروم فرستاده بود...
و کشتههای جنگی هم در شهر پر دم حاضر و خیابان...

فرانس

از پاریس پای تخت این ولایت تاریخ هشتم جمادی الثانی...
نوشته بودند که چون موسیو لاریکی ده طور قوروز...
خارج فرانس با مملکت اسپانیول شده است که از جانب...
دولت فرانسه بنصب الیچی کیر مقیم اسپانیول باشد...
امورات وزارت دول خارج را از جانب خود بموسسین...
وزیر قشون بحری فرانسه سپرده است تا وقتیکه وزیر دول...
خارج دیگر معین شود

درگزیت دولتی این مملکت اجبار کرده اند که در فصل بهار...
دو سال بعد ازین مانند عمارت بلور لندن که بجهت نمون...
و امتش و امتع کل روی زمین گشوده شده بود در پاریس...
برپا و گشوده خواهد شد و درین روز باقراری در خصوص...
اجناسی که از هر ولایت بفرستند خواهند گذاشت

در شهر پاریس مردم در باب آمدن پای پای روم بشهر پاریس...
گفتگو میکردند و اندک راه پادشاه رفته و بزرگ...
کتویک هیئت و قرار بود است که بجهت جلوس و تاج...
گذاشتن امپراطور فرانسه بشهر پاریس بیاید و بکوبد چندین...
تخلیف بدولت فرانسه کرده است و این کالیف بنظر...
که تسلط خود با پادشاه و امورات دینی در خاک فرانسه بر...

درین روز نامه اسپانیول نام که یکی از مقصدین فرانسه...

الآن مجلس است در پاریس قوت شده و مقصدین...
پاریس که با میخواستند اندر خود را بر مردم نمایند که مردم...
بفهمند که نوزبی قوت نشده اند و قوی که نقش ضعیف تر بود...
بیرون میبردند که دفع نمایند از کوهها و خانهها مردم بی...

و در عقب او میرفتند حتی بیست هزار نفر در اندک مدت در...
اتجام جمع شده بودند دولت فرانسه نیز قشون و راه...
و بمبای رفع آشوب آنها شد اما مقصدین کاری نکردند...
و بدون جنگ و نزاع جمعیت آنها از یکدیگر متفرق گردید...

درگزیت دولتی فرانسه که مانیتهیر بمباند شرحی چاپ...
زده اند از زبان تجار و مردمان دولتمند و لایس...
که سببی بر اظهار دوستی و یگانگی ما بین امالی دولتین...
و فرانسه است و چونکه دوستی و مودت امتع...
میدانند باید اهل فرانسه و انگلیس آنچه از دستشان برآید در...
استحکام مودت سعی و کوشش نمایند که این دوستی...
روز بروز زیاد شود و هرگز بهم نخورد

اسپانیول

ازین مملکت نوشته اند که بنا دارند از یکی از تجار لندن که...
نام او برینک است صد و بیست و پنج طمان فرانک که تخمیناً...
بیت و چ کر در پول ایران میباشد قرض بگفتند پس این...
دولت اسپانیول مانند اکثر دول فرنگستان در نزد...
تجار و تو انگران اقتدار تغییر نداشت و هر وقت که پول...
قرض میخواست از خزانه داده یا صد و دو لوزده و در بعضی...
اوقات صدم صد و پانزده در سال منفعت میداد اما...
این پول که حالا قرض میکند از قرضه دوران منفعت...

در سال نفع سید به

سویس

ازین مملکت نوشته اند که دولت استریه در سرحد مملکت خودشان قشون رها و گذاشته بودند که مانع ترودنی با این خاک مملکتین استریه و سویس باشند و درین روزگار مملکت آن سرحدات قشون گذاشته اند و بعضی جاها را که چندان سخت نبود سخت تر کرده اند و از بعضی ممالک که چک میشد هم قشون بآن سمت فرستاده اند از جمله مملکت وارتنبورگ و بواریه اگر چه تا بحال بچیک از این دولت از سرحد سویس تجاوز نکرده اند و لکن جمع کردن قشون در آن سرحدات علامت جنگ میداند و اهل این دولت که چک سویس هم بغیرت آمده و بشورخانه خودشان عریضه داده اند که مباد اطوری باشد که دول خارجی امور است داخله ولایت سویس تصرفی بکنند که قانون آزادی آن ولایت برسم بخورد

در روزنامه گذشته نوشته شده بود که دولت استریه اموال فراریهای مملکت لامباردی را که داخل ممالک خودش میباشد ضبط دیوان کرده است دولت سویس نیز دلچسپی خودش که در استریه میباشد کاندیدی فرستاده است که با مناسبت دولت استریه ابلاغ نماید توسط بکند که بلکه این حکم را نسبت بکل فراریها مجری نماید

استریه

از فراری که در روزنامه این ولایت نوشته بودند در روز یکشنبه دو تیم جادی الثانی امیر اطوری استریه سلام نموده و کل اهلچیان دول خارجی مقیم پای سخت و...

مخبر را امیر اطوری آمده بودند و نفر جراح امیر اطوری که زخم او را معالجه کرده بودند مورد انقیاد امیر اطوری گردید یکی از آنها را نشان داده و یکی را از اهل مشورخانه کرده بلقب باران که از جمله خوانین آنجا باشد

ینکی و نیای شمالی

موافق قاعده که درین دولت جمهوری دارند که چهار سال بچهار سال یکی از اعیان آن ولایت را رئیس دولت می کنند که بوعده مرور حکماتی بکند جنرال پیرتس که یکی از سرداران مشهور آنها بود در تاریخ بیت و سیم جادی الاول بزرگی آن مملکت برقرار شده است

احوال متفرقه

از شهر فلارنس که یکی از ممالک کوچک ایتالیا میباشد تا بیخ بیت و یکم جادی الاول نوشته اند که یک صاحب منصب انگلیس بآن ولایت وارو شده بود و چون که در ایام طفولیت در شهر فلارنس بوده است در آن شهر دوست و آشنای زیاد داشت بعد از آنکه مدتی از ورودش دیوانیان آنجا توهم کرده بودند که شاید در آن ولایت مایه اوستادی بشود حکم کرده بودند که فوراً بیرون برود صاحب منصب مذکور نیز دلچسپی انگلیس که در آن ولایت است رفته بود و گفته بود که خیال دیوانیان آنجا محض از راه شتاب است و من هرگز خیال افساد درین ولایت ندارم اهلچسب نیز مانع اخراج او شده و با مناسبت است آنجا خاطر جمعی داده بود که این صاحب منصب هرگز نمی چسب اعلامی که گمان کرده اند نخواهد شد اما مناسبت است آنجا قبول کرده و او را از آنجا بیرون کرده بودند و گویا

۷۳۱

این کذا رسیده است گفتگوی دشمن بسود

کشتیهای جنگی دولت انگلیس را که بتاریخ دوازدهم
جای الثانی در جزیره مائده بودند باین تفصیل نوشته
در روزنامه اقصی که دو کشتی که هر یک صد و بیست عراده
داشتند و در یکی از آنها سردار قشون سحری که امیر آل
و نداشتن میانداشته بود و کشتی دیگر نود و دو عراده
توپ کشتی دیگر نود عراده و دیگری هفتاد و شش عراده
و دیگری پنجاه عراده و دیگری بیست و شش عراده
اینها کشتی بادبانی بودند و هفت فروند بم کشتی بخار
که در هر یک از شش عراده تا چهارده عراده توپ بود
و مقطر و رو و چند کشتی دیگر نیز بودند که در یکی نود توپ
در دیگری شصت و توپ و در دیگری پنجاه که در یکی ده
توپ و در دیگری شانزده توپ بود اینها نیز در راه
بودند که بان کشتیهای سابق ملحق شوند

که دوگده پازمه که رئیس یکی از دول کوچک ایتالیا
میباشد در خصوص رعایای دولت خود شش حکمی ابلاغ
نموده است که هر کس که در آن دولت باشد و سزاوار
یا در آن دولت یا در دول خارج چنانچه نماید تبه او
پنج سال تا ده سال حبس باشد و کسیکه مقصود او آن
پنهان کرده باشد از سه سال تا پنج سال محبوس باشد

از شهر اسکندریه میفرستاده اند که کثرت جمعیت در آنجا
خانها بسیار گران و کم یاب شده اند و درین سال
کرایه خانه یکجا یک زیاد شده است پیرامی ابراهیم
که مال بسیار دارند بسیار خانهها میازند اما خانهها

کم یاب است که این خانها را هنوز تمام نشده مردم گریه میکنند
عباس شاه با حکمران مملکت مصر بنا داشت که خانهای بسیار
ببازد که جای نشین فرنگیها که در آنجا اقامت دارند باشند
تا بیخ کاغذی که این شهر رسید بیت و چهارم حجابی
بود و در آنوقت آب رود نیل بسیار کشیده شده و کم
گردیده بود و در راهی نهری که با اسکندریه میاید بسته بودند
که آب را در نهر نگاه میدارند و چون که آب رود نیل تا چهل روز
یا دو ماه از تابستان گذرد زیاد نمی شود و مکان داشتند
که تا آنوقت بسیار کشیده شود و تردد کشتیها مشکل باشد
اما چون که در راه آهن که با پهن شهرهای اسکندریه و قاهره میان
حنبلی رود کار میگردند مکان داشتند که پیش از آنوقت تمام
بشود و خلق انقدر محتاج تر و در و در خانه نمی شوند بلکه بسیار
داوود و غیره از راه این عبور خواهد کرد

از او دست مملکت روس نوشته اند که مواجی حساب
سال گذشته از آن شهر یک ملیان و چهار صد هزار گرو
غله بوزن انگلیس بخارج فرستاده بودند که تخمیناً دو گرو
صد هزار گرو و از بوزن ممت عباسی ایران می آید

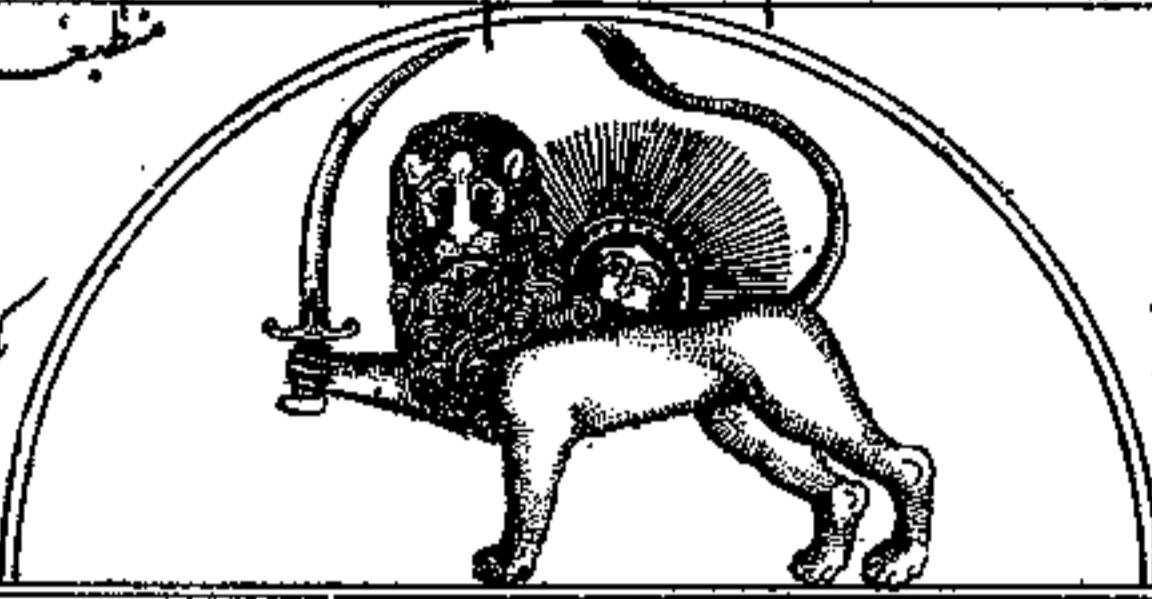
اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالمجید
در نزدیکی دروازه دولا ب الطباع شده از اینقرار فروخته میشود
مجالس المتین بیت و ده هزار و پانصد دینار
حاشیه شیخ محمد تقی بر عالم بیت و پنجاه
سما عالم جلد چهارم بحار الانوار سه تومان و دو ریال
تفسیر امام حسن عسکری یک تومان
شاهنامه چهار تومان و نیم

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۲ شهریور ماه شعبان المعظم سنه ۱۲۶۹

مژده صد و بیستم

قیمت روزنامه
یک ششماه یک ساله
هفتاد و چهار



منظومه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات
یک خط اول هر خط
بیشتر هر خط

اخبار واحداثیات محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون قریه آمده لو آستان بحسب بیلاقیته از سایر بیلاقیات
بلوکات دارالخلافه طهران تمناز و بعد از آن در وقت
و لطافت هواموصوف است لهذا خاطر امیر خسرو
پادشاهی مایل بنخوردن روزی در قریه منور کرده
در روز و شبته بمقام این ماه موکب سیروری کوکب
از قریه بنیادوران شیران بیسلیاق منور حرکت فرمود

امور است دارالخلافه طهران از اتهامات اولیای دولت
قاهره حسن مراقبت نواب مستطاب شاهزاده و آباء
ار د شیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران و توابع در کمال
نظم و انضباط است و سرقت و خلاف فاعده که اتفاق
می افتد و اگر کسی مصدر خلاف حسابی شده باشد در مقام
تنبیه و تادیب آن برمی آید و چیزی که قابل توشیح
در روزنامه باشد ثبت گمراشد ناخوشی و باد بعضی
مخلات شهر شایع شده بعضی معاصی و بداد امین و بعضی
تلف میگردند و لکن نسبت بسالهای سابق چندان شدنی

ندارد و در روز و شبته بمقام عموم مالی دارالخلافه از صغیر
و کبیر و صنایع و شریف و ثقی و شعی لغجوی از امته التشر
جز و عاروی نیاز بدرگاه خالق بی نیاز آورده در مصلا
خارج شهر جمع گردیده و از در تضرع و توسل بار و اح
رسول مختار روانه اطهار و آمده اغلب باربان روزی
مجلوس نیت بعد از ادای صلاه رفیع این بلیه را از درگاه
احدیت مسئلت و حفظ و استعانت مزاج مبارک علمت
پادشاهی را دست بدعا برداشته و جناب جل العلاء
امام جمعه و جماعت دارالخلافه طهران خلق را ترغیب بطاعت
و عبادت و توبه از معاصی و بدل خیرات و نبرات و احسان
بفقرا و ضعیفان نمودند

ناخوشی و باد رین شهر اگر چه چنانچه نوشته شد با التکیه نسبت
بسالهای سابق چندان شدنی ندارد و لکن نسبت
بهفته های گذشته قدری شدت نموده باین معنی که روز
شست یا هفتاد نفر میزند و بسیاری مردم از شهر بیرون
در دوات اطراف خصوصه کوپایه جات شیران و جاب
سرد سیر قرار گرفته اند اطبای روی زمین در خصوص این ناخوشی

دو چیز استحقاق کرده اند یکی آنکه این ناخوشی در جمیع احوال
 خلق بیشتر بر روی کند و چرا که مردم زیاد تر باشند
 زیاد تر میکنند و بیرون رفتن خلق بسیار فایده دارد که
 رفع توهم آنها می شود و هم درین فصل بسیار تغییرات و
 داده و کشت در سیلابات که در غیر ایام ناخوشی منطلوب
 نموده اند دیگر آنکه در هر جا که عفونت کسافت باشد محقق
 شده است که زیاد تر مردم را به ناک و تلف می آورد و
 خلق لازم است که همانا کن هر جا که عفونت باشد با رفع نماید و هر
 متعفن می شود زود بزیر خاک بکنند حتی طبخ و سلاح کردن
 و فضیلت گوشت و مرغ را بیرون می کنند بهترین است که
 زیر خاک نمایند در بعضی از شهرهای فرنگستان که ناخوشی
 و بار زود کرده بود اطباء جمع شده و بعد از مصلحت و مشورت
 مطالبه بخل اجبار کردند یکی اینکه در میان مبال و مبرز
 ایک بریزند که بوی عفونت را رفع نماید دیگر آنکه دیوارهای
 اطرافها و خانهها را با آب یک سفید بکنند زیرا که بخصوص
 بوی بخار ایک سبب رفع عفونت هوا بسیار فایده دارد
 دیگر آنکه مردم در خوراک اوقات نمایند و زیاد نخورند زیرا که
 این مرض کسی که معده اش ممتلئ باشد زود سیرت میکند
 خصوصاً اگر طعامی خورده باشد که قوی باشد و در تحلیل برود
 غذای متعفی خوب باید بخورد اما کم تا آن قدر که گرسنه نماند چونکه
 بسی که صفت داشته با یا سفر و حرکت کرده خسته و گرسنه
 باشد هم زود تاثیر می کند و خوف و واهمه نیز بسیار درین
 ناخوشی مدخلیت و تاثیر دارد حتی کسیکه این ناخوشی را گرفته
 باشد از شدت واهمه مانند این ناخوشی در وجود او حادث
 میشود و در بعضی از شهرهای هندوستان که این ناخوشی دایم الا
 و

۷۳۴

است ابل آنجا که خوف و تشویش ندارند زیرا که همیشه
 که در اول بروز این مرض در شخص که اسهال دست مسید بود
 که قابض طبیعت است بخوردن معالجه می شود و وقتی که دیگر معالجه
 پذیر نیست آنوقت است که از اول بروز غفلت کرده باشند و
 مدتی گذشته باشد که دست و پا خشک بشود و خون متعفن و قاق
 کشته باشد و رنگ بدن کبود بشود آنوقت دیگر معالجه مشکل است
 اما اگر پیش از ظهور این علامات بخوردن دوامی قابض مداد

نمانند صحت می یابند

از جمله اتفاقات غریب که درین شهر افتاده در محله سنگلج شیر عید
 اصطفائی لقب مولانا در روز و شب با کمال صحت بدن مذکور
 نمود که از توقف این دنیا بکنند هم و جانی را در خانه خود
 داده گفت برای من اینجارا بکنید و بعد از دفن بقیه زید و خانام هم
 باشد و با کمال شجاعت خودم امداد در جفر فرموده بعد از آن احوال
 بهم خورده صبح سه شنبه در گذشت و در بنا نهاد فون کردید

در روز شنبه اینها نزدیک ساعت نهم و سی از کوهستان
 جاری شده و از غایت مهر که در داخل ارک و از غایت سنگلج محل
 سنگلج گردیده اما حسب الامور استیجاب بر آمده و آثار از شیرین
 فرانس و غیره رفته جلوات را گرفته نبرد و سیل را خنق انداخت
 و سجد الله خرابی عمارات سلطانی و غیره رسیده و کمال تشویش

سایر ولایات

از اخبار سایر ولایات آنچه اجمالاً درین هفت نوشته شده است که
 قرار که در میان خلق مکرر است درین اوقات شیراز را زلزله سخت
 عمارات محکم قدیم را از اجزای و بعضی میکوبند شش هفت هزار
 زیر خرابها مانده اما تفصیل بن کدایش هنوز میباشند روزنامه